

راه توده

تشریح مبارزات حزب توده ایران در خلیج از کشور

جمعه ۱۶ فروردین ۱۳۶۲ مطابق ۲۱ جمادی الاخر
۱۳۰۳ و ۱۸ آوریل ۱۹۸۳
سال اول، شماره ۳۷
بیتا: ۴۰۰ ریال

نگرانی امام بجاست

حجت الاسلام هانمی رفسنجانی در نماز جمعه ۱۹ فروردین در عین هشدار به راستگرایان و هواداران کلان سرما- به داری و بزرگ زمین داری نگرانی امام خمینی را به اطلاع مردم رساند. نگرانی امام را نسبت به امر بیسربت و تعمیق انقلاب، نگرانی امام را نسبت به سرنوشت انقلاب!

این نگرانی بسیار بجاست

انقلاب در خطر جدی است. تناسب قوای شکننده میان نیروهای راستگرا و مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری که در لباس مذهب، راه تعقیب انقلاب را به نفع زحمتکشان مسدود کرده اند، و با حفظ و تقویت پایه های اقتصادی اجتماعی گذشته سیاه به باز سازی اوضاع قبل از انقلاب مسخولند از یکسو و نیروهای مدافع تعمیق انقلاب و اصلاحات بنیادی به نفع خلق از سوی دیگر را باید با تجبیز و بسیج توده های زحمتکش، زیر رهبری امام خمینی که تنها ضامن ادامه و تعمیق انقلاب است، به نفع نیروهای دود بهم زد و حلقه شکننده و خصمناکی را که دارد گلولی انقلاب را می فشارد شکاند! انقلاب در خطر است، زیرا مسلمانان مبارز انقلابی ترانسته اند برنامه روشن و محسن تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی به نفع خلق را ارائه دهند و به مورد اجرا بگذارند.

بقیه در صفحه ۶

شادباش نوروزی حزب توده ایران نوروزتان خجسته

تاریخ و انقلاب ما، به پختوانه حضور و عزم کارگران و دهقانان و همه زحمتکشان میهن انقلابی ما، امیدها و نویدهای بسیار همسراه دارد.

آفتاب نیروبخش بهار را می نوشیم،
مقدم طربناک نوروز را تهیت می گوئیم،
نوروزهای سرشار از پیروزی های نور، برای انقلاب شکوهند میهنمان آرزو می کنیم،
و به یاران و سرداران حزیمان که عید را در بند زندان می گذرانند، درودهای آتشین خویش را همراه با میثاق ادامه و فادارنه راهورزشمان نثار می کنیم.

این شادباش در آستانه نوروز در سراسر کشور پخش شد.

نوروز، این سنت و میراث همیته جوان را به یاران و رفیقان و همه مردم میهنمان شادباش می گوئیم. رستاخیز گل و سرسبزی که با ترانه خوانی بلبل و پرستو آمیخته، شرر مردم در دور ریختن کهنه ها و غبارها، استقبال از آنچه نو و شکوفان است، از لبحند و بدار و شادی، نشانه نیروی بی زوالی است که در این سنسنت مردمی و جشن و خانه تکانی طبیعت نهفته است. این نیرو را به آرمان های تاریخ ساز انقلاب سکوهندمان بیوند می زیم، این نیرو را به نبرد آشتی ناپذیر توده ها با امپریالیسم و هر آنچه ضد مردمی و تاریک و لاجرم مهر و نشان کهنگی و بوسیدی برخوردار، لایق پایمال کردن و دور ریختن است، فرا بخوانیم. پنجمین نوروز انقلاب در بیش از حساس ترین لحظه های

کاربرد اصطلاح قدرتهای بزرگ بجای امپریالیسم آمریکا به معنی فراموش کردن شعار مرگ پر آمریکا است

حجت الاسلام خامنه ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در مسافرت خود به بندرعباس طی یک سخنرانی به جنگ دفاعی ایران در مقابل تجاوز صدام اشاره کرد و آن را نتیجه توطئه "قدرتهای بزرگ" دانست. وی گفت: "قدرت های بزرگ (!) منافعشان را با این انقلاب مورد تهدید یافتند" و افزود: "همین دو ماه قبل بود که وزیر دفاع یکی از کشورهای اروپایی به کشورهای عضو پیمان ناتو صریحاً هشدار داد و اعلام کرد، که چون منافع قدرتهای بزرگ در ایران با جنگ ایران و عراق مورد تهدید قرار می گیرد پس قدرتها باید از منافع خودشان دفاع کنند." اگرچه حجت الاسلام خامنه ای در دنباله سخنانش از "آمریکا" که دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان است، مشوق تجاوز صدام به ایران میباشد، ارتش تجاوز سر بیخ تاندان مسلح خود را در مرزهای جنوبی ایران متمرکز کرده است و عربستان سعودی و پاکستان "اسلامی" را هر روز بیشتر مسلح میکند و در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه "اسلامی" پایگاههای جدید می سازد، بالاخره یکبار نام برد، نمی توان این نکته را نادیده گرفت، که در تمام این سخنان شعار "مرگ پر آمریکا" خواسته یا ناخواسته، فراموش شده است.

امید واری این که "امروز کامپیوترهای آمریکایی نمی دانند ما هواپیما چی داریم، چقدر داریم و چگونه داریم" باید قاعدتاً به علت نادیده گرفتن کشمیرها، کلاهی ها، امیرانتظامها، قطب زاده ها، معزیه ها و ۱۰۰۰ های شناخته نشده باشد، والا بقیه در صفحه ۸

تهمت در زنجیر

متن شعر در صفحه ۲

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

افترا آتی بی پایه آنان، ششم فوریه ۱۹۸۳ به حزب توده ایران هجوم برده و تعداد زیادی از اعضای آن و از جمله رفیق نورالدین کبانیوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب را بازداشت کردند. این عملی است برخلاف قانون اساسی و دیگر قوانین کشور که رعایت اصول دموکراتیک و حقوق اولیه خلق را تضمین میکند.

بقیه در صفحه ۴

روزنامه نیان زان ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در شماره ۲۰ مارس ۱۹۸۳ (۲۹ اسفند ۱۳۶۱) خود زیر عنوان "آزادی برای نورالدین کبانیوری و اعضای حزب توده ایران" چنین مینویسد:

اخیراً مقامات حاکمه جمهوری اسلامی ایران دست به اعمال تضحیقی علیه نیروهای مترقی و کمونیست های این کشور زدند. بر اساس

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

تهمت در زنجیر

پوشیده از زخم
و پیچیده در خرقاتی از پوست ببر و ببر
از سرایش سحر فرود می آئی
و در معبر
ویرانه های عشق
خاطره های کهن را احیای می کنند
و در وجودت
مردگان به رو یا بدل می شوند

از عشق و از شبیخون
یکدم جدا نبودهای
موهبت
زان پیش که از باد و آفتاب بیژمرد
از غبار میدان نبرد همیشه
سپید شد

قلب اساطیری ات ، اما
ای جوانی هفتادساله
در خونبارش مهلکه های هنوز و همیشه
گوس و طبل می نوازند
در زیر بیرق عشق

بهتان به تو
شمیر مردهای است
گفران نعمت است
انگار زنبق
و آفتاب

در کهکشان لبخند
در گدامین آئین ، شوکران است آیا
خونبهای سرایندگان رنگین گمان
و پرتاب کنندگان گل ؟

شب بلند است ، اما
بال تو بلندتر از قرن
تاریخ ، آبشار اشک نیست
و نه دیواری سهمگین تر از آرزوی تو
خاکستر آرش

در رگهای توست
و گمانش ، آه
این پهلوانی رو یای توست
که زبانه می کشد در این گمان
و مرزهای میهن را
به فراخی می خواند

— آنان که زنجیر می بافند
در پای آرش
فردا چه می گویند
شبیخون افراسیاب را ؟

از لبانت جرقه می بارد
و در نگاهت جاری است ابریشم
انفجار معنی تو
حریقتی است برفراز سر سه نسل
که اوهام را ذوب می کند

و تاج را برفرق بتها
می سوزاند

آوازت
در عاج نقش بسته است
آنچه تو لمس کنی
طلاست
و هر آنچه نشانی از تو دارد
آزاد است

هم از اینرست
که با وحی و سکوت
تو سخن می گوئی
از فراسوی چاهی که دشمن در راحت حفر کرد
و تاج خاری که دوست برپیشانی غمناکت نهاد
تو سخن می گوئی
از کف پا تا کاکل برفی ات
حتی با دهان مرگت
تو سخن می گوئی
تو سخن می گوئی
و زمین های میهن

شخم می خورد
سایجات در کنار من راد می رود
با پایهای مخمل و باد

و عمیق و شفاف
چون آب

بر سر هر دوراهی
دوپازه می شود
و در انشعاب هر گوردره
باز می شکنند

جوانه می زند
و تناور می شود
و کلاف راهها و کوره راه های قلات
به تلاطم می افتد از سایه بی نهایت تو
که در همه افقها می وزد
و در صیقل هوا

طنینی خاموش می اندازد
اینک سیاه شفا بخش تو ،
پیچان در زره و عرفان :

هیولائی ماورای دیدن ،
قدیس گون ،

با هزاران چشم ارغوانی مست
و جنگلی از دست های تنومند
که در دودکش کارخانه ها تنوره می کشد
و با چنگال داس ها

هجوم می برد

تهمتن در بند است
دردناک از زورمندی عشق خویش
به شمایان

و هفت خوان ، خاطره ای است
نه در پشت سر
در سنگ نبشته های روبرو
شاهنامه در بلندای ستارگان ورق می خورد
و در سرزمین رعد و غزل
شبحی سرسبز در گشت و گذار است

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بغیه از صفحه ۲
سرزمین اسلامی دست به جنگ نیاز دارند و
مسلحانه علیه اسلام اقدام نکرده اند ، اجازه
فعالیت علنی داشته و در بیان عقیده آزادند .

— طی مقاله ای که در روزنامه "اومانیت" ، ارگان
حزب کمونیست فرانسه ، در باره دستگیری رفیق
نورالدین کیانوری و سایر رهبران حزب ، به چاپ
رسیده ، آمده است :

" دستگیری این رفقا ، آینده ایران را به
مخاطره می اندازد . " مقاله سپس به توضیحاتی
که پس از پیروزی انقلاب در مورد فعالیت های
حزب توده ایران بعمل آمده و از جمله جلوگیری
از انتشار نامه مردم ، ارگان حزب ، اشاره
کرده و خاطرنشان ساخته است که " فشار جناح
راست افراطی در درون دولت ، باعث گشته
است که تا کنون بسیاری از نیروهای کسبه
می توانستند حامی آن بمانند ، رانده شوند . "
حزب توده از محتوای ضد امپریالیستی و تخیرا
اجتماعی بنیادینی که قانین اساسی نوید اجرایی
آنها می داد ، حمایت می نمود . از آنجا که حمایت
این حزب از دولت ، تمام با انتقاد بود ، بارها
مورد هجوم ضد انقلاب قرار گرفت .

مبارزان توده های کسالیهای طولانی از عمر
خود را در زندانهای شاه سپری کرده اند ، به
اتهام " جاسوسی و همکاری با کابوگ . ب " بار
دیگر به بند کشیده شده اند .

مقاله سپس به مسئله جنگ عراق و ایران و
منافعی که از ادامه این جنگ فرسایشی که تا
کنون قربانیان زیادی از دو طرف بیار آورده ،
نصیب نیروهای راستگرا میشود ، اشاره کرده
و می نویسد : " بنا به اعتقاد برخی ناظران سیا
موضع انتقادی حزب در قبال این جنگ خانمانسوز
می تواند بهانه ای بدست نیروهای افراطی
مذ هبی جهت دستگیری رهبران حزب داده
باشد . "

کنفد راسیون عمومی کارگران ایتالیا در استان
لاتزیو با ارسال تلگرامی به حضور حجت الاسلام
خامنهای رئیس جمهور ، ضمن ابراز تأسف و نگرانی
از دستگیری عده ای از رهبران حزب توده
ایران ، از ایشان خواسته است که در مورد
آزادی آنان و برقراری آزادی و دمکراسی در ایران
اقدام نمایند . این کنفد راسیون همچنین عیسن
متن این تلگرام را به سفارت جمهوری اسلامی
ایران در رم و از آن طریق به دولت جمهوری
اسلامی نیز ابلاغ نموده است .

فد راسیون جوانان کمونیست ایتالیا نیز با
انتشار بیانیه ای ، تعجب و نگرانی خود را از باز
داشت رفیق کیانوری و سایر مسئولین
حزب توده ، ایران ابراز داشته و ضمن اعلان
همبستگی با رفقای دربند ، آزادی فوری آنان را
خواستار شده است . بیانیه همچنین خواهان
حل سیاسی مسائل حاد ایران ، از طریق همکاری
کلیه نیروهای دمکرات و مترقی ، در چهارچوب
صلح جهانی و تعاون بین المللی گردیده
بغیه در صفحه ۲

رفیق مریم فیروز : بیکار جوئی خستگی ناپذیر در امر تشکل زنان



استعداد اذن شخصیت زن بسیار والا و ارجمنده است .
آری حسرتی که سرسخت ترین و بی گنجه ترین نیروی فدا امپریالیستی و فدا ارتجاعی بود هوست باید هم مورد کینه و نفرت دشمنان مردم ایران قرار گیرد .
اتهام زنی علیه حزب توده ایران از جانب امپریالیسم تازگی ندارد .

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بندار صند: ۲
و اعضا فد راسیون و نیز کلیه جوانان ایتالیا را دعوت به ابراز همبستگی مجدد با مردم ایران نموده است .

رهبری تعداد کثیری از سندیکا های کارگران و کارمندان در شهر "سالونیک" نگرانی شدید خود را علیه دستگیری نیروهای مترقی و مدافع انقلاب ایران طی قطعنامه به دولت ایران عنوان ساخته و آزادی سریع دستگیرشدگان را خواستار شدند .

از جمله اعضا کنندگان قطعنامه فوق رهبری سازمانهای ذیل میباشند:

- سازمان طبخان شمال یونان
- سازمان کارگران فولاد شمال یونان
- کارگران و کارمندان صنایع پوشاک شمال یونان
- کارگران و تکنسین های صنایع چوب سالونیک
- کارگران و کارمندان صنایع نساجی مینسک

ایران شخصیت شناخته شده ایست که از او ان جوانی گام در راه مبارزات ترقیخواهانه و آزادی طلبانه گذشت .

رفیق مریم فیروز در سال ۱۲۹۲ در کرمانشاه متولد شد . وی تحصیلات ابتدائی ، متوسطه و عالی را در تهران بپایان رساند و در مهاجرت اجباری سیاسی بد ریافت درجه دکترا در ادبیات زبان فرانسه نائل گردید .

از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزاد یخواهی ایران شرکت فعال و پررنگ داشت . وی از سال ۱۳۲۲ در تشکیلات دموکراتیک زنان ایران به فعالیت خستگی ناپذیر پرداخت و در سال ۱۳۲۳ به عضویت حزب توده ایران درآه رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۲۷ در کنفرانس دوم به عضویت مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد . وی در همان سال ، پس از کودتای بهمن ۱۳۲۷ ، تحت پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۲۸ غیابا محکوم به پنج سال زندان با افعال شاقه شد .

از همان سال ۱۳۲۷ ، رفیق مریم در شرایط پنهانکاری ، به مبارزات دشوار و پرخطر ادامه داد . در امر بسیج زنان در تشکیلات زنان و احزاب مبارزه این سازمان و در سرپرستی فعالیت مطبوعاتی آن ، با از خود گذشتگی کار کرد . بدت ۸ سال زندگی پنهانی رفیق مریم با مبارزه ای خستگی ناپذیر ادامه یافت . در سال ۱۳۳۰ ادامه مبارزه پنهانکارانه وی در ایران ناممکن شد و مجبور به جلائی وطن گردید .

در دوران مهاجرت سیاسی ، که تا پایان سال ۱۳۵۷ دوام یافت ، رفیق مریم فیروز آنی از مبارزه علیه رژیم دست نشانده استبدادی شاه مخلوع بازنیستاد . بهنگام مهاجرت ، مجددا بطور غیابی دوبار محکوم شد . بار اول به ده سال زندان و سپس بزندان ابد با افعال شاقه . رفیق مریم فیروز در سال ۱۳۵۷ به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران برگزیده شد و در میهن آزاد شده ما با همان شور و خستگی ناپذیری همیشگی به امر تشکل زنان در مبارزه بخاطر برابری حقوق و در پیکار برای تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران مشغول شد .

رفیق مریم فیروز مانند دیگر همزمانش ، راه آینده ، زندگی و مبارزه خود را ، با همه خطرهای محتمل در جبهه خلق جستجو کرد و این راه را در صفوف حزب توده ایران همچنان ادامه می دهد . وی می گوید :

"حزب توده ایران به ما زنان ایمن امکان را داد که به حقوق خود آگاه شویم و ما در مکتب این حزب بزرگ انقلابی آموختیم که

رفیق مریم فیروز ، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و مسئول سازمان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران نیز همچون دیگر همزمان در ریندش به "جرم" دفاع از استقلال ملی ، دفاع از دموکراسی و دفاع از طبقات مستکشف دستگیر شد .

دشنام کویی و اتهام زنی علیه حزب توده ایران شیوه آشکار امپریالیسم و ارتجاع بوده و هست که دیگر تازگی ندارد و زن و مرد نمی شناسد . تمام کسانی که به مبارزه پیگیری پرعلیسه امپریالیسم و عمالش برخیزند مورد کین و نفرت قرار می گیرند و همین نیز یکی از آنها بود .

او از تبار "واندارک" ، از نژاد "لیلا خالد" ، عرصه دار راه همچون "ترشکوا" در مبارزه با ظلم همپای دیگر رفقای قهرمان و دیندش ویرانه ساز نظام کهن و جولان سپاه جهل-شکن بود .

رفیق مریم فیروز با دید وسیع و آگاهی عمیق خود و با تجربه سیاسی و مبارزاتی طولانی خویش به پختنانه یک زندگی سیاسی سراسر نبرد علیه امپریالیسم ، ارتجاع ، سلطنت پهلوی ، بخاطر سعادت مردم و استقلال و آزادی کشور پرداخت .

رفیق مریم فیروز بعنوان یک زن آگاه و انقلابی میهن ما سراسر زندگی خویش را فعالانه وقف بسیج زنان در مبارزات مردم ایران ، در شناساندن ستم و استعمار و نظامهای مبتنی برآن از روستای ایران که هنوز بقایای نظام زین ستیز فئودالی باقی و پابرجاست تا شهرهای بزرگ که در آن زن به عروسکها و مهرههایی در ماشین غارتگر سرمایه داری تبدیل شده اند کرده است و خدمت ارزنده های به شرکت فعالانه زنان در امر نبرد طبقاتی در عرصه های اجتماعی - اقتصادی کشور از شرکت در تشکلهای کارگری گرفته تا شرکت در سازمانهای دموکراتیک ، نموده است و در همه حال در مقابله با سیاست زن ستیزانه محافظ راستگرا و دفاع از زحماتشان تلاش پیگیری کرده است و در نطق انتخاباتی می گوید :

"برما زنان است که هشیارانه بر بالین این کودک تازه بوجود آمده یعنی انقلاب با-یستیم و از آن پاسداری کنیم و دست آن نامردانی را که با قصد سوء به این دلیند ما نزدیک می شوند ، کوتاه کنیم ."

زندگی نامه او نبرد طولانی ، پررنج و ایثار بدون توقع در راه مردم ایران ، زرفای میهن پرستی و میهن دوستی او را نشان می دهد .
رفیق مریم فیروز از برجسته ترین بانوان مبارز

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بند صفحه ۱

این واقعیت انکارناپذیر است که حزب توده ایران در طی ده ها سال موجودیت خود نقش مهمی در مبارزه بخاطر استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و دموکراسی در کشور ایفا کرده است. این حزب به همراه دیگر نیروهای میهن پرست در ساقط کردن رژیم وابسته سلطنتی شرکت مؤثر داشته است.

در میان کسانی که مقامات حاکمه روانه زندان کرده اند به نامهای کسانی برمیخوریم که در روز حکومت شاه هریک ۲۵ سال در زندانهای شاه بسر بردند. همه میدانند که در زمانهای اخیر حزب توده ایران کوشش فراوانی برای تثبیت و تحکیم انقلاب بعمل آورده است.

این اعمال تضییقی علیه حزب توده ایران موجب اعتراضات وسیع در تمام کشورها شده است. باید تاکید کرد که هجوم به حزب توده ایران در زمانی انجام میگیرد که ایرانیان دارنده فشارهای سختی را از جانب امپریالیسم بین المللی و نیروهای راستگرای افراطی در همه زمینهها متحمل میشوند.

هجوم به حزب توده ایران یعنی هجوم به مترقیترین نیروی که از منافع زحمتکشان ایران دفاع میکند، مغایر با منافع ملت ایران است و بسود امپریالیسم و ارتجاع می باشد.

به همراه احزاب کمونیست و نیروهای مترقی در سراسر جهان ما بر همبستگی خود با حزب برادر حزب توده ایران تاکید میکنیم. محافل مترقی اجتماعی همه کشورهای بانگ اعتراض خود را علیه این بازداشتها بلند کرده اند و خواهان آزادی فوری رفیق نورالدین کیانوری و دیگر اعضای حزب توده ایران هستند.

در بولتن اطلاعاتی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان برای ماههای ژانویه-فوریه ۱۹۸۳، در صفحه ۲۸ مطلبی زیر عنوان "حزب کمونیست یونان اعتراض میکند" به چاپ رسیده است. این مطلب حاکی از آنست که نهم فوریه ۱۹۸۳ یعنی سه روز پس از بازداشت هاه یک هیئت نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان بریاست رفیق کاپس عضو کمیته مرکزی و نماینده مجلس یونان، رفقا پاپا پتروس و آمبا تیلس اعضای مشاور کمیته مرکزی به سفارت ایران رفته اند تا علیه دستگیری رفیق نورالدین کیانوری در بصر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر کمونیستها اعتراض نمایند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان نگرانی عمیق کمونیست های یونان را به خاطر این بازداشتها به مقامات مسئول سفارت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده و خواهان آزادی فوری رفقا و قطع تضییقات علیه میهن پرستان ایرانی شده است.

این هیئت اعتراض کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان را نیز تسلیم سفارت کرده است.

روزنامه "فرورد" چاپ سرلانگا در شماره اول ماه مارس خود اعلامیه حزب کمونیست سرلانگا را برای آزادی رهبران حزب توده ایران منتشر ساخته است. در اعلامیه آمده است:

"هیئت سیاسی حزب کمونیست سرلانگا نسبت به بازداشت رهبران حزب توده ایران از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران اعتراض کرده و آزادی آنانرا خواستار است."

اتهام "جاسوسی" و "فعالیت ضد دولتی" نسبت به حزب توده ایران که سالیان دراز در خدمت منافع مردم ایران، مبارزه بی امانی داشته، در قیام ضد امپریالیستی که منجر به سقوط شاه گردید نقش قابل توجهی ایفا کرده و نیز کوششهای فداکارانهای در دفاع از انقلاب ایران بعمل آورده است، اتهامی است واهی و بی اساس "حزب توده ایران از خط ضد امپریالیستی و تحولات اجتماعی که در قانون اساسی جدید ایران پیشنهاد شده است با صداقت حمایت کرد و میکند ولی انتقاد آن نسبت به حرکات انحرافی از خط منور حزب را هدف حملات گوناگون محافل ارتجاعی قرار داد."

"نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی و سایر نشریات حزب توقیف گردید و تعدادی از اعضا حزب که در دوران دیکتاتوری شاه در زندانها بسر می بردند دوباره بر زندان افکنده شدند.

"بازداشت دبیر اول و سایر رهبران حزب توده ایران گام دیگری است که در ادامه اینگونه تضییقات برداشته شده است. این عمل به اعتبار و احترام انقلاب ایران در چشم مردم جهان لطمه میزند."

"حزب کمونیست سرلانگا، از اینروز مقامات مسئول جمهوری ایران میخواهد به این تحریکات عوامل راستگرا پایان داده و از رهبران حزب توده ایران و اعضا آن رفح بازداشت نمایند."

حزب کمونیست سا مارینو، حوادث اخیر ایران، در رابطه با دستگیری عدلهای از رهبران حزب توده ایران و از جمله دبیر اول کمیته مرکزی حزب، رفیق نورالدین کیانوری را، حمله ای به دستاوردهای دموکراتیک خلق ایران ارزیابی میکند. و از مقامات و مسلمانان مبارز ایران میخواهد که با آزادی رفقای رهبری حزب، بویژه رفیق کیانوری به تضییقات علیه حزب توده ایران پایان داده شود و موانع موجود بر سر راه تعمیق انقلاب برداشته شود و از پیشروی و تقویت مواضع نیروهای راست و واپس گرا جلوگیری بعمل آید.

دبیرش کمیتر یکی از هنرمندان برجسته مترقی آلمان فدرال نامه مشروحه در این زمینه به دفتر امام در تهران ارسال داشته است. وی در این نامه پس از اظهار تأسف از دستگیری رهبران حزب توده ایران، از محضر امام درخواست کرده است که در زمینه آزادی مجدد آنان مشخصا اقدام نمایند.

وی سپس می نویسد: "مایلم به اطلاع شما برسانم که در سالهای ۶۰، بارها علنا و با آمادگی کامل به دفاع از مبارزه مردم ایران بر علیه رژیم ضد انسانی شهاب برخاستم. در جریان این مبارزات بود که در میان سایر دوستانم، رفقای حزب توده ایران را به مثابه مصیبت ترین و مورد اعتمادترین مبارزین راه مردم ایران شناختم. پس از سقوط رژیم شاه نیز علیرغم جنجال تبلیغاتی که نشریات سرمایه داری در آلمان فدرال علیه تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران برآوردند، من همواره از انقلاب ایران حمایت نمودم."

بدین مناسبت از آن حضرت تقاضا دارم که اظهارات اینجانب را به مثابه مداخله در امور داخلی کشورشان تلقی ننمایند.

بدون تردید، آن حضرت نیز همانند من به درجه فداکاری اعضای حزب توده ایران در مبارزه بر علیه دیکتاتوری سلطنتی شاه و ضد امپریالیسم بین المللی و بخاطر کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در میهنشان واقفند. آیا برای شما نیز همانند من - توجیه ناپذیر نیست که حال چگونه نورالدین کیانوری و رفقایش بیکباره بر ضد مردم و انقلاب کشورشان بیخاسته اند؟! تجربیات میهن من همواره نشان دهنده این امر بوده است که محافل ارتجاعی، فاشیسم و سرمایه بزرگ امپریالیستی، در وارد آوردن فشار و اختناق به مردم، از پیگرد حزب طبقه کارگر آغاز کرده اند و چنین معمول است که ضد انقلاب نیز همواره پس از پیروزی انقلاب در کشوری، بمنظور درهم شکستن آن، ابتدا کوشش در تفرقه افکندن در صفوف انقلابیون نموده است. آنحضرت بهتر از من نیز میدانند که چگونه منافع امپریالیسم بین المللی در ایران نیز حکم می کند که ابتدا نیروهای انقلابی را متفرق و آنان را سرکوب نماید و سپس چرخ تاریخ را به عقب راند.

بر اساس تحلیل فوق، امیدوارم اشتباهی مرتکب نشده باشم، اگر از آنحضرت استدعا کردم که شخصاً در مورد آزادی فوری رهبران حزب توده ایران اقدام کنند.

اینجانب، علی الخصوص به شخص شما امید بسته ام، زیرا که هنوز بخوبی گفته های شما را بخاطر دارم:

"کلیه احزاب و گروهها، تا زمانیکه بر علیه بقید در صفحه ۲"

سند تازه‌ای دال بر ماهیت تجاوز کارانه ناتو

سلاح مقدم باشیم، این امر ایجاب می‌کند نه فقط باز دارند دست‌های مستحین تقویت شدنیویو - سنی آنها با استراژی عمد ما با لات متحد ه مستخدم تر گردد." در مورد اثرات جنبش‌های صلح اروپا هیچ ادا ه می‌دهد: " ما هرگز قادر به اجرا نقشه‌های مشترکمان در این مناطق حیاتی نخواهیم شد، مگر اینکه گرایشهای اروپائیان به بی‌طرفی، انفعال و خلع سلاح یکجانبه بطور جدی و استثنائی کنترل شوند."

هیگ " تم " موازنه، تسلیحاتی را اینگونه تعیین می‌کند: " ما باید ضرورت جلب کردن توجه‌ها به تهدیدات نظامی شوروی و فعالیت کردن هر چه

شدند، ما راهی نداریم جز اینکه کشورهای " رقیب القلب " را در اروپا قدری تکان دهیم."

هیگ شیوه پیاده کردن هدفهای شوم خود را اینگونه بیان می‌کند: " بوجود آوردن آنجنسان شرایطی در کشور مورد لزوم که آنها متقاعد شوند که نفعشان در کجاست."

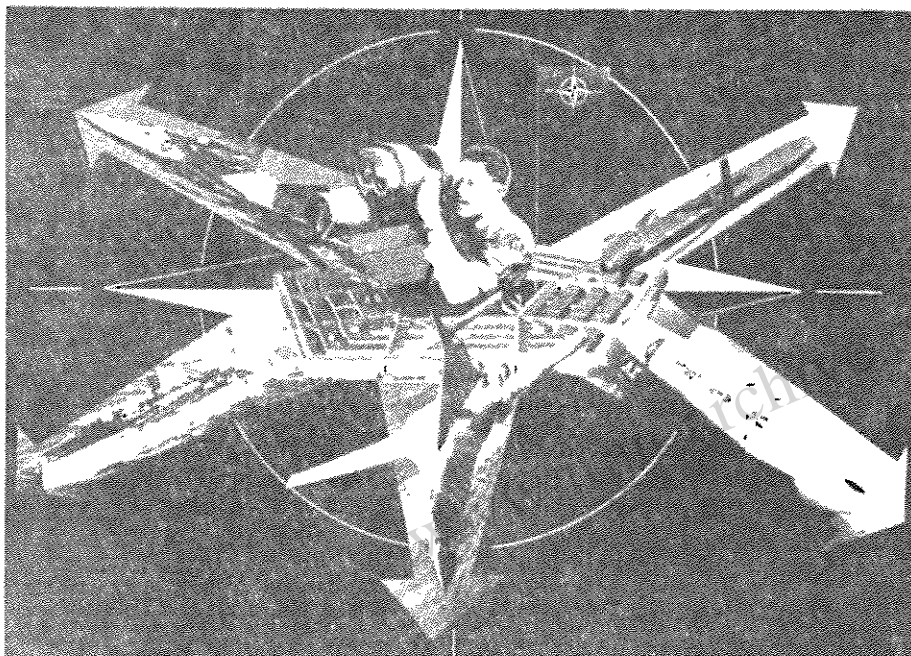
هیگ اضافه می‌کند که این امر " عمل مناسب و مؤثر، ماهیتی حساس " می‌طلبد. هر دوی این اشخاص متاویبا بر سر نحوه پیاده کردن آن بحث کرده و هیگ نتیجه می‌گیرد که " من از نبودن " عدم توافق " بین ما در مورد اولویت- هایمان شدیدا خوشحالم."

بعد از کنفرانس کشورهای عضو پیمان تجاوزکارانه ناتو در اواخر سال گذشته که طی آن برای مبارزه با جنبش رشد یابنده صلح تصمیماتی اتخاذ کردند و خیر از یک کارزار وسیع تبلیغاتی دادند، اینک اولین نشانه‌های این " کارزار با صلح " در انگلستان پدیدار گشته است.

وزارت دفاع دولت محافظه‌کاران انگلستان گسه نمایند ه جناح هار انحصارات امپریالیستی این کشور است، اعلام کرده است که قصد دارد یک میلیون پوند از کیسه مردم این کشور به تبلیغات برای آماده کردن افکار عمومی جهت پذیرش موسکهای کروژ و پرتشینگ در خاک این کشور اختصاص دهد و بقول خودشان با اطلاعات غلط " جنبش صلح مقابله نماید یا در واقع هورف تبلیغات برای جنگ کند.

این موضوع خشم و اعتراض شدید مردم و سی‌در پارلمان این کشور را به همراه داشته است. خانم جوان روداک رئیس مبارزه برای خلع سلاحهای هسته‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام دولت برای " تبلیغات برای جنگ " گفته که این کار سبب تحریک مردم به اعتراضات شدید و در مقیاسی باور نکردنی شده و نتیجتا به گرایش وسیع مردم به طرف صلح دوستان خواهد انجامید.

در جریان مبارزات گسترده مردم انگلستان برای جلوگیری از استقرار موشدهای آمریکائی کروژ در این کشور و برای مقابله با تبلیغات جدید دولت برله جنگ، سازمان جوانان کمونیست لندن اخیرا اقدام به افشای اسنادی کرده است که پرده از دوزخ بازیهای آمریکا و شخص هیگ و ماهیت تجاوزی سازمان ناتو برداشته است.



بیدتر همکارهای نزدیکمان با رسانه‌های جمعی اقدام بحاطر داشته باشیم."

سازمان جوانان کمونیست لندن می‌نویسد: " ما بر این عقیده‌ایم که بمنظور حفظ صلح مهم است که جنگ افروزان را درست تسخیم بدیم و دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی یحتمی پنتاگون و ناتو را در جای خود محکوم کنیم و مهم است که سیاست رد مذاکره برای کاهش سلاحهای هسته‌ای و سیاست فاجعه آمیز " تقدم در حمله " از اطراف ایالات متحده گسه دم و دستگاه ناچر نیز سستیبانان جدی آن می- باشند افسا گردد." و اضافه می‌کند: " اتحاد شوروی از طرف دیگر بطور بی‌گردد راه صلح و بهبودی در سیاست بین‌المللی کوسیده است و از سال ۱۹۴۵ تا بحال بیش از یکصد پیشنها د صلح و خلع سلاح داده و قول داده است که اولین کشوری نخواهد بود که از سلاحهای هسته‌ای استفاده کند."

این نامه شوم زمانی نوشته شده که اعتراضات توده‌ای بر علیه سلاحهای نوترونی سرتاسر اروپا را فرا گرفته بود و رئیس‌جمهور کلازتر مجبور شد در مورد تولید و توسعه آنها کوتاه بیاید و لسی روشن است که در شیوه تفکر ناتو که بوسیله هیگ متخص شده است تخریبی حاصل نشده است.

سازمان جوانان کمونیست لندن می‌نویسد: " ناتو ادعا می‌کند که سلاحهای هسته‌ای پیش مانعی است در برابر تهدیدات شوروی و لسی واقعیت اینست که ناتو بر این نقشه است که حمله اول را شروع کرده و متعاقب آن جنگی هسته‌ای محدودی را در اروپا از پیش ببرد در حالی که آمریکا بدون آسیب باقی بماند."

خود هیگ در این نامه می‌گوید: " یکی از فرصیات در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ما این است که تحت شرایطی که امکان پرورش خواهد بود ممکن است ما مجبور باشیم در استفاده از

روزنامه " مورنینگ استار " شنبه ۵ فوریه ۱۹۸۳ ضمن چاپ قسمتی از این اسناد شامل نامه " الکساندر هیگ به جوزف ام ۱۰۱۰ لوزن دبیر کل سازمان ناتو که در ۲۶ جون ۱۹۷۹ نوشته شده است مطالبی در افشای ماهیت این نامه تحت عنوان " سازمان جوانان کمونیست حقه - های کثیف ناتو را افشا می‌کند " بچاپ رسانیده است که بشرح زیر می‌باشد:

" الکساندر هیگ زمانیکه در ماه جون ۱۹۷۹ از پست فرماندهی ناتو دناره گرفت در نامه‌ای به دبیر کل ناتو دکتر جوزف لوزن نوشت که اگر تبلیغات دولتی برله برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای با شکست مواجه شود، رهبران ناتو آماده‌اند که به حقه‌های کثیف " متوسل شوند در این نامه که در یک کتابچه از طرف سازمان جوانان کمونیست لندن افشا گردیده هیگ می‌نویسد: " اگر جدلهای لفظی، وادار کردن‌ها و بخد مت گرفتن رسانه‌ها با شکست مواجهه

بخاطر صلح، در راه زندگی، علیه جنگ هسته‌ای

نگرانی امام بجا است

بنده ارسنجه ۱

انقلاب در خطر است، زیرا مسلمانان مبارز انقلابی و دولتمردان صادق پیرو خط امام با معاصات در مقابل نیروهای راستگرا، به این عناصر امان دادند و بمنظور جلوگیری از تحولات بنیاد دینی مسلمانان مبارز را به صحنه "جست" درباره حقوق اهداف انقلاب بکشانند!

برای پیروزی در نبرد انقلابی باید راه را به روشنی نشان داد و آن را پیگیرانه دنبال کرد

اما تجربه روزمره انقلاب می آموزد، که تنها وسیله برای پیروزی در نبرد انقلابی داشتن یک برنامه روشن استراتژیک و تاکتیکی است. بدون یک چنین برنامه روشن و صریحی، که قادر باشد تمام نیروی خلق انقلابی را تجهیز کند و برای تحقق اهداف انقلاب به حرکت آورد، پیروزی

انقلابی ما دانستند، که یک مست سرمایه دار، هرکدام دهها و صدها خانه را حالی نگه دارند و اجاره خانه را به آسمان برسانند، در حالیکه هزاران خاتوار ایرانی سقفی پر روی سر خود نداشته باشند و در کنار حیابان شب را به صبح برسانند.

بدون سک حل مسئله مسکن در میهن ما یک وظیفه تاریخی و سنگین است، که نیاز به تجهیز تمام امکانات و ذخیره های خلق و ایجاد شرایط روشن قانونی دارد. از جمله باید بلافاصله اجاره بها را در سطح نازل و ناباست تثبیت کرد.

اما نیروهای راستگرا و سوداگران پسرزگ خانه دار بلافاصله هجوم متقابل خود را علیه این پیشنهاد آیت الله موسوی اردبیلی آغاز کردند و یک جنگ صلیبی را علیه آن برافروختند. زیر فشار این تبلیغات است، که آیت الله موسوی اردبیلی در نماز جمعه ۱۲ فروردین اظهار می کند:

"مهم نیست که کسی طرحی برای حل این مسئله اجتماعی (مسئله مسکن) بدهد، بلکه مهم اینست که حتما باید این مسئله حل شود و هر کسی اگر طرح بهتری و اسلامی تر دارد بیاورد و آنرا ارائه دهد."

این شیوه معاصات و نخل برای براندازی پایه های انضادی - اجتماعی کلان سرمایه - داری و بزرگ مالکی یکی از موانع بزرگی است، که در برابر گرایش مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و به قاطعیت آن لطمه می زند.

گرایش مردمی در حاکمیت بجای استفاده از تجارب انقلابات بیروزمند و سکست حورده حلقها و جنبش های آزاد بیحش صد امپریالیستی، هم - خنان در حال جسجوج است و می گوید که نه فقط در مسئله پیاده کردن، بلکه در اصول اساسی هم "راه سومی" پیدا کند، راهی پیدا کند، که هرگز هیچ کس به آن پی نبرده و در هیچ کشور و جامعه ای هرگز نظیر و سبیه آن وجود نداشته است. اما درست این شیوه به تسدید بی برنامه گی و سردرگمی برای یافتن راهی که انقلاب ما باید طی کند کمک کرده و انقلاب را به عمیق ترین و خطرناکترین بحران گمانده است.

باید، همانطور که در اسناد حزب توده ایران حاضر نشان می شود، با تجهیز و بسیج و به صحنه فرا خواندن مردم ایثارگر، تحت رهبری امام خمینی، باید با تنها اهرم نیرومندی که در اختیار انقلاب است، یعنی اهرم قدرت امام و خلق، حلق و امام، بیشتر گمانده شدن انقلاب در سراسر سقوط و شکست جلوگیری کرد.

اگر انقلاب نتواند با این وسیله خود را از شکست نجات دهد، آنگاه راستگرایان خواهند توانست به شک دستهای جاسوسی امر - لیستی حتی برای مسلمانان مبارز هم پرونده جاسوسی بسازند و انقلاب را به شکست کامل برسانند!

ممن نخواهد بود.

پیشنهاد آیت الله موسوی اردبیلی بسیاری تا همین مسکن زحمتگشان نمونه آموزنده ای از این درس نبرد طبقاتی است. آیت الله موسوی اردبیلی سه هفته پیش پیشنهاد خود را مبنی بر:

"تا زمانی که مشکل مسکن حل نشد و همچنین بحرانی وجود دارد پیشنهاد می کنم مجلس شورای اسلامی تصویب کند که هیچ کس حق ندارد بیش از یک مسکن معمولی در سطح شهرها داشته باشد. و با این تصویب می توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تخاصم و تاز سوداگران نباشد. اگر کسی در این ضرورت تردید دارد لحظه ای در محاکمی که حکم تخلیه می دهند حاضر شود و صفوف طولانی مستاجرین را که با چشم گریان پیش قاضی التماس می کنند ببیند، سپس داوری کند." اعلام کرد. دولتمردان معدودی با اعلام پشتیبانی خود از این پیشنهاد، آنرا وسیله برای برطرف ساختن این ننگ جامعه

درود نوروزی به زندانیان توده ای

سیا و موساد در ایران نیز تن خواهند داد. از شما مسئولین درجه اول جمهوری اسلامی ایران می طلبیم برای خنثی کردن توطئه های امپریالیستی و تلاشهای مذیوبه مانده دشمنان انقلاب بزرگ ایران و برای به ثمر رساندن مبارزات مسلمانان مبارز و همه مردم انقلابی میهنمان که برای استقلال ایران و برای تحقق عدالت اجتماعی و برای منافع زحمت کشان آن میزومند، زندانیان توده ای رهبران دستگیر شد حزب توده ایران از جمله نورالدین گمانوزی دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را آزاد کنید ما همراه مردم انقلابی و همیشه در صحنه میهنمان مطمئن میباشیم که آزادی پیگیرترین منافقان و متحدان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران نشانه حرکت در راه صواب انقلابی و پرهیز از راه سیا و سقم است.

با این آزادی و برداشتن موانع از سر را فعالیت سیاسی قانونی برای حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همه مبارزان راستین انقلابی و هواداران صلیق جمهوری اسلامی ایران راه تعمیق انقلاب را باز خواهید ساخت. - زند بهاد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران - زند بهاد احترام گذارندگان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- مرکز بر ارتجاع داخلی و خارجی
- مرکز بر امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم آمریکا

سبب دتن از هواداران حزب توده ایران، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر دوستداران راستین جمهوری اسلامی ایران و گزاف داشت پنجمین نوروز انقلاب را در لندن با خوانند شعر "در آزمون آتش" آغاز کردند.

در این گروه هم آئی به پرسش های زیادی که از طرف حاضرین درباره رویدادهای اخیر ایران عنوان شده بودند پاسخ داده شد. پرسشها عمدتاً پیرامون بازداشت غیر قانونی جمعی از رهبران و اعضا حزب توده ایران بود.

طی این مراسم بیانیه ای تدوین شد و به تصویب حاضران رسید. متن آن چنین است:

"ما شرکت کنندگان در گروه هم آئی لندن برای بزرگداشت پنجمین سالگرد جمهوری اسلامی ایران در پنجمین نوروز انقلابی همراه با مردم همیشه در صحنه میهنمان که تجربه دو کودتای ارتجاعی و امپریالیستی انگلیسی و آمریکائی پدر و پسر پهلوی را در تاریخ گذشته نزدیکان پشت سر داریم با ترفند های براندازی انقلابی و جنبشها آشنائی ملموس داشته و عواقب تلخ و دهشتناک آنها را در دهها سال دیده و چشیده ایم، در این هنگام که توطئه های عظیم و محیالانه امپریالیسم مقدم به همه امپریالیسم آمریکا در کار است و کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان سرمایه داری لیبرال و مرتجعین در تلاش مذیوبه نامه خود علیه انقلاب ایران و مردم زحمتکش شهر و روستای میهن ما حتی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران به کودتای

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

درکمند "کمک" امپریالیستی

رشد بدست می‌آورند حدود دویار بیشتر از سرمایه گذارشان در این کشورهاست. در همین زمان دیون کشورهای در حال توسعه سر به ارقام نجومی زدوانیک حدود ۶۰۰ میلیارد دلار برآورد میشود این امر وابستگی آنها را به کشورهای امپریالیستی بازهم بیشتر کرده است.

در تحقق این سیاست غارتگرانه ، ایالات متحد آمریکا نقش اصلی را ایفا کرده است. این کشور است که در صندوق بین المللی پول سیاست مالی را معین میکند که در زمانهای اخیر پرداخت قرض را تابع شرایطی گاه بسیار تحقیر آمیز کرده است ؛ از جمله تأمین شرایط لازم برای رشد سرمایه های خصوصی ، کاهش ارزش پولی داخلی ، کم کردن هزینه های مربوط به بهداشت و درمان و آموزش و تأمین اجتماعی و غیره .

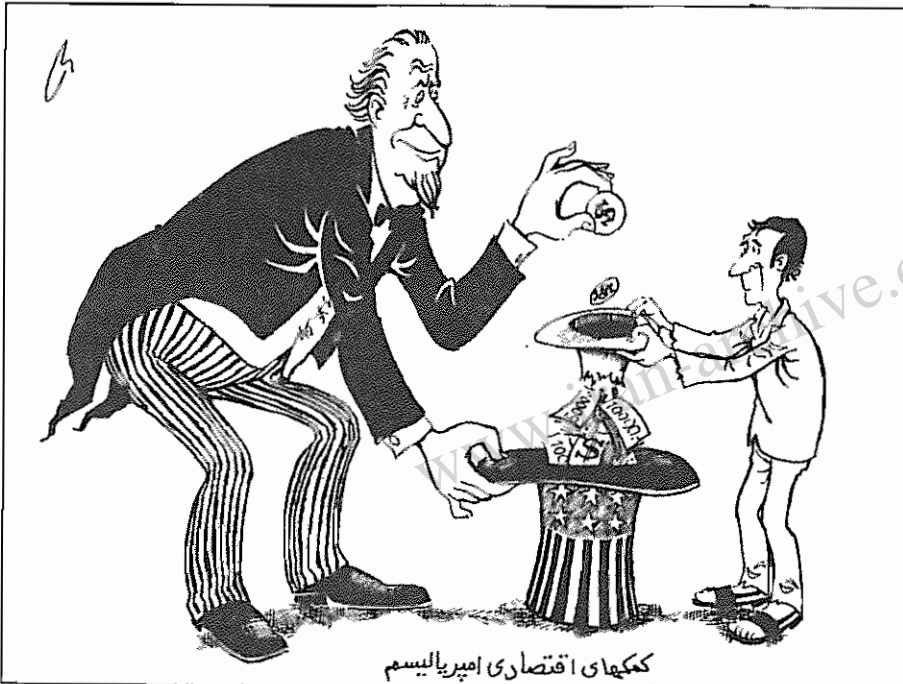
اخیراً ایالات متحده آمریکا این گرفتاری کشور های در حال رشد را نیز مورد سوء استفاده قرار می دهد که در آنها میلیونها انسان از کمبود مواد غذایی رنج میبرند و چه بسا از گرسنگی میمیرند .

عنوان چیزی شبیه جایزه بخاطر " رفتار خوب " داد میشود . در چنین صورتی طبیعی است اگر کشوری مانند نیکاراگوئه نه تنها هیچگونه کمکی دریافت نکنند بلکه آمریکا با تمام قوا بکوشد در اقتصادش خرابکاری نماید و در عین حال کمتهای فراوانی در اختیار رژیم های السالوادور و شیلی قرار دهد . فقط باید پرسید پس آن لفاظیها در مورد دلسوزی برای سرنوشت خلقهای کشورهای در حال رشد و احساسات نژاد و ستانه که منادیان " کمک " امپریالیستی پیوسته از آن دم میزنند چه شد ؟ چندی پیش روزنامه " واشینگتن پست " فاش کرد که در یکی از گزارش های دستگاه اداری ریگان آمده است " کمک " به منظور تأمین منافع استراتژی جنگی آمریکا بر سر کمک به منظور توسعه اقتصادی ترجیح دارد . این

کارشناسان اقتصادی و سیاسی در غرب هم - چنان در شیپر افسانه " تأثیر مطلوب کمک های کشورهای سرمایه داری و مؤسسات مالی بین المللی آنها بر اقتصاد و پیشرفت اجتماعی در کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین میدانند اما واقعیت اینست که کشورهای در حال توسعه با کمبود های شدید مالی در تأمین سرمایه گذاری برای توسعه اقتصادی روبرو هستند و ظرفیت علمی - فنی آنها نیز بهیچوجه کافی نیست . باین جهت این کشورها در راه دشوار کسب استقلال واقعی و پیشرفت اجتماعی همچنان نیاز به پشتیبانی دارند . کشور های امپریالیستی از این مشکلات سوء استفاده می کنند تا خود را بعنوان " خیر " هائی جا بزنند که گویا با انگیزه های نועد و ستانه به نیازمندان کمک می نمایند . ولی واقعیات نشان میدهد که " کمک " امپریالیستی یکی از روشهای تحقق سیاست نو - استعماری است که توسط آن گوشهش میشود کشور های در حال رشد ، سخت و سخت درکمند نظام تولیدی سرمایه داری گرفتار آیند و جهت گیری ضد - امپریالیستی در روند های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی این کشورها کند گردد . کنفرانس کشور های غیر متعهد که اخیراً در دهلی نو پایان یافت نشان داد که کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین زیر ضربات بحران اقتصادی قرار گرفتند و " کمک " های کشورهای سرمایه داری نه تنها کمکی به رفع عواقب بحران نمی کند بلکه آنرا عمیق تر هم مینماید .

هدفهای اصلی " کمک " امپریالیستی را ، مستقل از تنوع اشکال و روشهای اعطای آنها میتوان بطریق زیر مورد بررسی قرار داد .

یکی از اساسی ترین آماج های آن را باید به تثبیت رژیم های وابسته و طرفدار امپریالیسم دانست . دستگاه اداری ریگان بهنگام دادن " کمک " بطور عمده منافع نظامی - سیاسی خود را در مد نظر قرار میدهد . همزمان با افزایش قابل ملاحظه کمک های نظامی ، کمک اقتصادی هم پیوند نزدیک با اهداف نظامی - سیاسی داشته و در اختیار کشورهای مورد نظر قرار میگیرد . در اینجا انتخاب کشورهایی که باید به آنها کمک شود با دقت زیاد انجام میگیرد . بیشتر و در درجه اول به آن رژیم های " کمک " میشود که ثبات اقتصادی و سیاسی آنها برای تحقق برنامه های استراتژیک نظامی و زاری جنگ آمریکا لازم بنظر میرسد . اکثراً " کمک " اقتصاد به کشورهای داده میشود که موافقت کنند در سرزمینشان پایگاه های نظامی و یا محل انبار کردن و مستقر نمودن جنگ افزارهای آمریکائی ایجاد گردد . نمونه های سومالی ، کره جنوبی ، السالوادور ، هند و روس و شیلی ثابت می کند که ایالات متحده آمریکا " کمک " را به افزای در راستای پیاده کردن آماجهای سیاست خارجی خود تبدیل نمود تا مستقیم گام تصمیم گیری برای دادن کمک شرط عمده آنست که دولت یا دولت های مورد نظر برای تحقق سیاست خارجی آمریکا مفید باشند . " کمک " به -



کمکهای اقتصادی امپریالیسم

جا دیگر هیچگونه تفسیری لازم نیست . دومین انگیزه اصلی اعطای " کمک " ، منافع اقتصادی جهانی کشورهای رشد یافته سرمایه داری است که حفظ تقسیم کار نواستعماری میان آنها و کشورهای در حال رشد را در نظر دارد . آن " معجزه اقتصادی " که در تبلیغات غرب گفته می شود بر اثر " کمک " های کشورهای سرمایه داری در کشورهای در حال رشد بوجود خواهد آمد عملاً منجر به ژرفش باز هم بیشتر پرتگاه میان توسعه اقتصاد در غرب امپریالیستی و کشورهای در حال رشد گردید . سیاست حمایت از بازار داخلی در کشورهای سرمایه داری ، بکار انداختن " قیچی قیمت ها " در مورد مواد خام و کالا های سنتی و بالا بردن مصنوعی نرخ بهره منجر به واکنش زنجیری شد و وضع اقتصادی کشورهای در حال رشد را بشدت خراب کرد . موافق آمار های بسیاری سازمان های بین المللی ، سود هائی که کشورهای سرمایه داری و انحصارات چند ملیتی از کشورهای در حال

آمریکا ارسال مواد غذایی به این کشورها را به وسیلهای برای شانناژ و فشار مبدل ساخته است . در شرایط کمبود شدید خواربار در کشورهای جهان سوم در آمریکا دیگر صحبت از این نیست که آیا از مواد غذایی میتوان بعنوان جنگ افزار استفاده کرد یا نه ، بلکه بحث ، سراینست کسه چگونه از این سلاح برای وارد آوردن فشار بر آن کشورهایی استفاده کرد که دست به انجام درگوب نیهای مرفقی زد مانند . و از اینراه منافع غارتگرانه امپریالیسم بین المللی را به خطر انداختند .

کشورهای سوسیالیستی از تلاشهای کشورهای در حال رشد برای بازسازی مناسبات اقتصادی بین المللی بر پایه عدالت و لغو شرایط اسارت آور " کمک " های غرب امپریالیستی تا ملا بشتیبانی می کنند و از جانب خود میکوشند برپایه اصول برابری و همکاری سود مند متقابل اقتصادی و کمک بی شائبه ، برای غلبه بر عقب ماندگی اقتصادی سهم خویشرا ادا نمایند .

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

کاربرد اصطلاح قدرنهای بزرگ بجای امپریالیسم ...

بسه از صحنه ۱

نی‌توان تصور کرد، که شخصیتی که خود هدف ترور این عوامل قرار گرفته است، از وجود آنها نفوذ آنها در نهادها و ارگانها بی‌خبر باشد. علت هر چه است این فراموشکاری می‌تواند فاجعه‌های بزرگتری را بیاورند.

اکنون این سؤال به جا مطرح است، که چرا توصیه امام، شهید بهشتی و دیگران فراموشی می‌شود و شعار "مرگ بر آمریکا" و حتی واژه "امپریالیسم آمریکا" هم بکار برده نمی‌شود؟ چرا به واژه "ابر قدرتها" و "دولتهای بزرگ" دل بسته می‌شود؟

واقعاً چرا دوست و دشمن به یک چوب رانده می‌شوند و خطر دشمن و خطر آن نفوذ واقعیش. که خلق آنرا دهها سال روی گوشت و پوست خود احساس کرده است و شهادت هزاران ایرانی و از جمله ۷۲ تن از یاران امام آثار داغهای این نفوذ و توطئه هستند به فراموشی سپرده می‌شود و لوٹ می‌گردد؟ چرا نام دشمن که بنابه ماهیت جنایت‌کارانه اش همانطور که امام خمینی فرمودند تا ۵۰ سال دیگر هم با ما سر جنگ دارد، به کار برده نمی‌شود و در عوض صحبت از قدرتهای بزرگ است؟

حاصلی که می‌توان، از جمله از این سخنان حجت‌الاسلام خامنه‌ای، صرف نظر از خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه بودن آن بدست آورد، این است که فرق دوست و دشمن در انتظار و افکار از بین برود و خلق در شناخت دوست و دشمن دچار سرگیجه شود. نتیجه این شیوه آن است که دشمن از زیر ضربه خارج می‌شود، منسی می‌شود و نجات می‌یابد و دست دوست برای لک به انقلاب بسته می‌شود. این همان چیزی است که دشمن خلق ما، امپریالیسم آمریکا می‌طلبد، و این همان است، که دشمنان هنوز شناخته نشده برای اجرائش می‌کوشند. شیوه‌ای که می‌تواند هم دید روشن دولتمردان درجه اول کشور را، حتی آنهایی که خود هدف ترور عوامل دشمن واقع شده اند، تار کنند و هم به طریق اولی توده‌های میلیونی را به گمراهی بکشاند.

وقتی فرق واقعاً موجود بین دوستان و دشمنان انقلاب زده شده گردید و از انتظار دور ننگه داشته شد، وقتی نام آمریکا به اندازه کافی "منسی" شد و بجای آن واژه "قدرت بزرگ"، "ابر قدرتها" "قدرت خارجی" و غیره آمد، آنوقت آنها که مترصد فرصت بودند و هستند تا با همان کلامی به جنگ دوست بروند، که در حقیقت با آن میبایستی بسه جنگ دشمن می‌رفتند، آنوقت می‌توان نگرانی روزافزون دوستان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ما را در باره سرنوشته انقلاب و دستاوردهای آن "دخالت در امور داخلی ایران" قلمداد کرد و آنرا زیر ضربه گرفت و علیه آنها کلامی را بکار برد، که می‌بایستی علیه دشمن امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بکار برده می‌شد.

این نکته درستی است، که انقلاب ما یکی از عمده‌ترین اهدافش تأمین استقلال واقعی و همه جانبه میهن ما بوده و هست. یعنی انقلاب می‌بایست نفوذ دشمنان امپریالیستی انقلاب ما را، که

پشتیبانان رژیم محمد رضا شاه بودند و بکلمه آن رژیم منابع و ثروتهای ایران را غارت میکردند، خلق ما را به بند کشیده بودند، قاطعانه و برای همیشه قطع سازد. انقلاب می‌بایست منافع کامل خلق، زحمتکشان شهر و روستا، کسبه جز، زنان و مردان میهن دوست را از دستبرد امپریالیسم و دست نشاندهگان داخلی آن حفظ کند و شرایط غارت این منافع را از بین ببرد.

آیا واقعا چنین شده است؟ آیا این غارت بی‌بند و بار خلق پایان یافته است؟ و یا فقط غارت کنندگان در باری جای خود را به تروریستهای اقتصادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ریشو و تسبیح به دست داده‌اند؟ آیا انقلاب توانسته است شرایط این غارت بی‌بند و بار را با اصلاحات انقلابی به نفع خلق، از بین ببرد؟

متأسفانه باید به همه این سؤوالها پاسخ منفی داد! متأسفانه باید اذعان کرد که عملاً فریاد استقلال طلبی را بوسیله غارت جدید تبدیل کرده‌اند و درست کردن کلفت ترین غارتگران خلق و تروریستهای اقتصادی به بزرگترین سواستفاده‌چینا از شعار "نشرقی و نه غربی" تبدیل شده‌اند.

در جهان امروز که دو سیستم جهانشمول اقتصاد اجتماعی در مقابل هم قرار دارند و به یک مصاد تاریخی مشغولند، استقلال طلبی واقعی، یعنی نبرد صریح، روشن و قاطع با امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا. البته امپریالیستها استقلال را این چنین نمی‌فهمند. آنها برای آنکه فریادها "استقلال طلبی" کف می‌زنند، که علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی باشد. بدیهی است که آنها چنین "استقلال طلبی" را از متحدان درجه اول خود انتظار ندارند.

امپریالیستها این فریاد "استقلال طلبی" را از آنهایی انتظار دارند که درگیر نبرد علییه امپریالیسم هستند! برای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مشابه آن است که امپریالیسم یک چنین "استقلال طلبی" را توصیه می‌کند، همان طور که در نامه برزیلینکی به ونس طلب کرد! فقط با تکیه بر اینگونه "استقلال طلبی" است که میتوان نگرانی دوستان و حامیان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ما را از سرنوشته انقلاب "دخالت در امور داخلی ایران" قلمداد کرد و گفت "هیچ قدرتی، هیچ همسایه و غیره همسایه ای حق ندارد در امور داخلی ما دخالت کند." فقط با چنین زمینه جینی میتوان دوستان و حامیان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن را در جهان، که کشورهای سوسیالیستی، کمونیستها، نیروهای دمکرات و ضد امپریالیست و جنبشهای آزاد بیخشانند، به عنوان "دخالت در امور داخلی ایران" مورد اتهام قرار داد. آنها ابراز نگرانی می‌کنند، زیرا می‌بینند که نه فقط نبرد علیه امپریالیسم و پایه‌های اقتصادی-اجتماعی آن در ایران که همان کلان سرمایه داران و بزرگ مالکسان و تروریستهای اقتصادی هستند، به بن بست رسیده

است، نه فقط اصلاحات انقلابی، که باید ثمره یک انقلاب پیروزمند باشد، انجام نمی‌شود، نه فقط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرا نمی‌شود و حقوق و آزادیهای قانونی پایمال می‌گردد، بلکه می‌بینند کلان سرمایه داران و بزرگ مالکسان و حامیان آنها هر روز مواضع بیشتر و محکمتری را در حاکمیت بدست می‌آورند، که از جمله با "پیشنویس قانون کار" حلقه بندی به گردن طبقه کارگر انقلابی می‌افکنند، که بزرگ زمینداران که اصلاحات ارضی انقلابی را عقیم گذاشته‌اند حتی می‌کوشند زمین های محدود تقسیم شده را باز پس بگیرند، که تروریستهای اقتصادی هر روز فربه و فربه تر میشوند و خلق بی خانمانتر و بی خانمانتر میشود، آری وقتی هواداران انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در جهان هر روز با نمونه های بیشتری از قانون شکنی و مخالفت با قانون اساسی توسط نیروهای راستگرا و حجتیه ای آشنا میشوند، با نقض حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی روبرو میشوند، نسبت به اوضاع ایران و دستاوردهای انقلاب نگران تر میشوند و این نگرانی خود را ابراز میدارند. وقتی آنها می‌بینند، که اکنون مدافعان انقلاب، مدافعان خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، مدافعان مسلمانان مبارز بزدان افکنده می‌شوند و مورد اتهامات "سیا" و "ساواک" ساخته قرار می‌گیرند، وقتی آنها می‌بینند که رفیق نورالدین کیانوری طراح و سازمانده سیاست‌علی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران برهبری امام خمینی، و یاران دیگرش به زندان افکنده می‌شوند و دست دشمنان انقلاب و ناراضی ترشان و غارتگران بازرگانه گشته میشود، حق دارند ابراز نگرانی کنند، زیرا انقلاب ایران، که آمده بود برای میهن ما استقلال واقعی را تأمین کند، به خلق آزادی و عدالت اجتماعی را ارزانی کند، حلقه‌ای از زنجیر نبرد جهانی ضد امپریالیستی خلقهای جهان بود و هست. حلقه‌ای پرتوان و پرشور در زنجیر نبرد جهانی ضد امپریالیستی، گردانی نیرومند در لشکر جهانی نبرد ضد امپریالیستی، در کنار کشورهای سوسیالیستی، جنبشهای آزاد بیخشان ضد امپریالیست و نیروهای مترقی کشورهای سرمایه‌داری در نبرد جهانی علیه اردوگاه امپریالیسم، ارتجاع و دشمن بشریت.

از این رو سرنوشته این انقلاب، پیروزی یا شکست آن فقط به مردم میهن ما مربوط نمیشود. ایسن واقعیتی است که مسلمانان مبارز و بویژه امام خمینی رهبرانقلاب بارها آنرا ابراز کرده‌اند. از این روست، که هیچکس در مقابل تاریخ و انقلاب ما حق ندارد "استقلال طلبی" را به معنی ستیز با دوستان انقلاب اعلام کند. کسانی که بکوشند نگرانی دوستان انقلاب را چه در همسایگی و چه در غیر همسایگی میهن ما، "دخالت در امور داخلی ایران" اعلام کنند، در مقابل تاریخ پاسخگو خواهند بود. به گفته یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی: این راه به عربستان و پاکستان خواهد رفت!

پیرامون بودجه سال ۱۳۶۲

در دو هفته آخر سال گذشته مجلس شورای اسلامی شاهد بحث پیرامون کلیات بودجه کل کشور در سال ۱۳۶۲ بود. در طی این مباحثات جوانب گوناگونی، اعم از ساختار، جهت‌گیری و ترکیب و همچنین عملکرد این بودجه و عواقب کوتاه مدت و بلند مدت آن مورد بررسی نمایندگان قرار گرفت. بنا بگفته آقای تقی بانکی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه در آمد های پیش‌بینی شده مجموعاً ۳۰۵۲/۶ میلیارد ریال است که عمدتاً ترین منبع تامین آن ارز حاصل از نفت می باشد که بالغ بر ۱۹۹۰ میلیارد ریال (متجاوز از ۸۱٪) میشود. همچنین باید توجه داشت کسری بودجه بالغ بر ۲۲۷ میلیارد ریال می باشد. نکته دیگر اینکه بحث های فوق الذکر مصادف با برگزاری کنفرانس اخیر اوپک در لندن، که در نتیجه آن قیمت پایه های نفت از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار کاهش یافت، صورت میگرفت.

برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بهنگام مخالفت با لایحه بودجه مسائلی را مطرح نمودند که درخور توجه است. از جمله آقای مجید انصاری گفت: "مخالفت من يك مخالفت صوری نیست، من جدا با این بودجه مخالف هستم و برای رفع نواقصی که در این لایحه سراغ دارم پیشنهادات عملی وجود دارد که اگر این لایحه به تصویب نرسد میتوان آنها را بکار بست" وی از جمله چنین اظهار داشت: "در این بودجه رشد منحنی های منفی به سمت مثبت متأسفانه کمتر چشم می خورد، و در بعضی موارد اصلاح چشم نمی خورد. یکی از شاخص های مثبت این است که بین هزینه های جاری و عمرانی تعادل محقوبی وجود داشته باشد. از شاخص های دیگر اینست که اجرای این بودجه موجب گسترش عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه امکانات و رشد درآمد مستضعفین باشد و شاخص دیگر اینکه جهت بودجه به سمت تولیدی کردن جامعه باشد."

بنابراین باید بررسی کرد که آیا این شاخص ها در بودجه وجود دارد یا خیر؟

در مورد عدم اتکا به نفت، متأسفانه نهنها در این بودجه پیش‌بینی های لازم نشده بلکه هرچه جلوتر میرویم درصد وابستگی ما به نفت بیشتر میشود. صادرات غیرنفتی در سال گذشته کمتر از ۴٪ کل صادرات بوده که نسبت به سالهای قبل افزایش کمی دارد. البته یک سری درآمد های صوری در بودجه گذاشته اند که این وابستگی را می پوشاند ۰۰۰۰ بنابراین هنوز رقم عمده تامین بودجه ما نفت است و مشکلات مدور و فروش و توطئه هایی که در رابطه با بازار نفت علیه ما صورت میگیرد برکسی پوشیده نیست. انحصارات نفتی:

برکسی پوشیده نیست که پس از فروپاشی استعمار کهن، نو استعمار با اتکا به اهرمهای اقتصادی، بهنگامه عمده ترین ابزار، سعی در انقیاد ملل از بند رسته می کند، که یکی از اشکال آن تحمیل اقتصاد تک محصولی و همراه با آن قبضه

کردن بازار فروش آن محصول می باشد. انحصارها و در راس آنها انحصارات نفتی برای خفه کردن کسانی که به پیروی از سیاست آنها تن در نمی دهند علاوه بر وسایل مالی، شیوه های سیاسی و تبلیغاتی و حتی تروریستی نیز بکار می برند. تاریخ معاصر همه کشورهای نفت خیز آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین که مشحون از جنایات بیشمار امپریالیسم نفتخوار است، صحت این نظر را بارها به ثبوت رسانده است. امپریالیسم نفتخوار، با وجود غیرت که تاکنون به آن وارد آمده، هنوز هم یکی از بزرگترین دشمنان خلقهای کشورهای نفتخیز و عمدتاً ترین پایگاه نو استعمار است.

عرصه تولید و توزیع انرژی یکی از عرصه های است که روند انحصاری در آن عمیقاً ریشه دوانده است. کسرن های نفت نیرومند ترین گروه های انحصاری جهان سرمایه داری را تشکیل می دهند و در میان آنها انحصارهای چند ملیتی نقش عمده را بعهده دارند. این انحصارها شاخه خاصی از امپریالیسم حبهانخوار و دارای قدرت مالی و اقتصادی افسانه ای هستند. برای بدست آوردن تصور روشن از گستره عظیم عملرد این کمپانیها، کافیت یاد آور شویم که انحصارها هفتگانه عضو کارتل بین المللی نفت که به هفت خواهران معروفند، در سال ۱۹۷۲ یعنی در اوج فعالیتشان، بیش از ۴۵۰ میلیون هکتار اراضی در سراسر جهان سرمایه داری را در اشغال خود داشتند و یا در سال ۱۹۷۷، حدود ۸۰ درصد بزرگانی جهانی نفت را تحت نظارت مستقیم خود داشتند.

در سال ۱۹۷۸، کل فروش هفت دپانی عضو کارتل بین المللی نفت به ۲۴۳ میلیارد دلار بالغ شد، که از آن میان سهم ۵ کمپانی آمریکایی به ۱۶۵ میلیارد دلار رسید. در همان سال پنج کمپانی آمریکایی با ۹ میلیارد دلار سرمایه گذاری، بیش از ۶ میلیارد دلار سود خالص بدست آوردند.

استفاده از نفت های انبار شده و نیز نفت تولید شده در کشورهای غیر اوپک (آمریکا، مکزیک، نفت دریای شمال در انگلیس و نروژ) برای کاهش خرید از اوپک بهنگامه اهرم فشار نیز از دیگر مسایل می باشد. در همین رابطه کافی است یاد آور شویم که در سال ۱۹۷۷ برخی از انحصارها، خرید نفت خام را از کشورهای اوپک کاهش دادند و بدینسان میزان خرید آنها از ۷۸٪ به ۶۸٪ رسید.

پس از این اشارات مختصر، باید گفت که اتکا به نفت، نمی تواند "انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان" را به پیروزی برساند. مسئله محوری اینست که امپریالیسم با استفاده از تمام امکانات مالی و اقتصادی و نظامی خویش میخورد این انقلاب را از ریشه براندازد. امپریالیسم با بند کردن دست ایران در جنگ ایران و عراق و پشتیبانی از راستگرایان، اخلی و اقدامات

اخیر آنان قدم به قدم در حال اجرای سیاست استراتژیکی خویش، یعنی مسخ و براندازی انقلاب ضد امپریالیستی و مردم می مین ما می باشد. فشار اقتصادی با بکارگیری اهرم نفت جز، دیگر این سیاست است. این فشار، بدون برد پوشی، از سوی کارتل های بین المللی نفت و وابستگان امپریالیسم در درون اوپک به ایران اعمال میشود. روزنامه تایمز مالی، ارگان انحصار مالی، که در تدوین سیاست و ارائه رهنمود به سیاستمداران امپریالیستی دارای سابقه طولانی است، پس از سقوط قیمت پایه های نفت در کنفرانس اخیر اوپک با ابراز شادمانی طی مقاله ای تحت عنوان "ایران باید بناچار از قوانین تبعیت کند"، تلویحاً به افشای نقشه های آتسی امپریالیسم برای مین انقلابی ما می پردازد. این روزنامه پس از اشاره به اینکه جنگ تحمیلی طولانی و فرسایشی عراق علیه ایران اندوخته های ارزی ایران را بلعیده است، به تجزیه و تحلیل پیرامون لایحه بودجه پرداخته و متذکر میشود که ۶۲٪ بودجه ۱۳۶۲ به درآمد حاصله از فروش نفت مربوط است که با احتساب صادرات تقریبی ۲/۴ میلیون بشکه در روز با قیمت ثابت ۲۴ دلار تنظیم شده است.

تایمز مالی سپس می افزاید: "بدون بهره گیری از سیستم های احیای مجدد (که نه گاز، نه تکنولوژی و نه تخصص آن بسادگی در ایران موجود است)، حد اکثر تولید ایران نمیتواند بیش از ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز باشد. بنابراین در یک جنگ قیمت ها ایران نمیتواند تولید خود را به آن اندازه که جبران کسری درآمد هایش را بنماید، برساند."

از این آشکارتر نمیتوان سیاست جنایتکارانه ای که مجموعه جهان امپریالیستی و ارتجاع منطقه و داخلی و نیز عناصر نفوذی در ارگانهای حکومتی، طرح ریزی کرده و در حال اجراست، ترسیم نمود. هدف امپریالیسم روشن است: گسترش جنگ از طریق تحمیل عراق و از سوی دیگر تلاش برای حاکم کردن خط راستگرای حجتیه در مورد جنگ که فتح جهان از طریق ترسلا را "وجه همت" خویش قرار داده است. این خود باعث وابسته ماندن بودجه کشور به نفت به بهانه اشتغال ایران در جنگ با عراق است و از سوی دیگر ایجاد مانع در بازارهای جهانی نفت در برابر ایران برای دستیابی به منابع مالی حاصله از فروش نفت که قرار است در آتشر همان جنگ بسوزد و خاکستر شود. اینهاست ابزوری که امپریالیسم بد انوسیله در حال اجرای سیاست های خود که ایجاد نارضایتی در میان اقشار وسیع جامعه و همچنین تقویت مواضع بزرگ مالکی و بزرگ سرمایه داری در ایران است، می باشد. هشداری که این سیاست در حال اجرا است!

"الگوسازی" یا "راه سوم" کوره راه است!

در مقاله ای مفصل تحت عنوان "در تهیه پیش نویس قانون کار، به عمیق و کسترده ای فقه اعتنا نشده است"، که بیش از یک صفحه روزنامه اطلاعات (۲۵ اسفند ۶۱) را در بر می گیرد، آقای محمد جواد حجتی کرمانی در جریان برخورد چنگگیر انتقادی به پیش نویس قانون کار توکلی و شرکا، مسئله عدم دسترسی به راه حلی "برای تحقق خواسته های انقلاب را از دید خود مطرح می سازد".

ما در اینجا برای اطلاع خوانندگان "راه نوده" به طرح بخشی از نظریات نو-یسنده مقاله میپردازیم و نظر انتقادی خود را نیز در خاتمه ارائه می دهیم.

در مرکز مسائل مطرح شده، این فکر قرار دارد، که باید از "گردن افراختن" و "متکیرانه از خود و فرآورده های فکری خود سخن گفتن"، دوری جست، که این خود بزرگ بینی و خود محوری بینی و چشم بستن دگوش گرفتن بر آنچه "شرق و غرب و دانشمندان غیر مسلمان (وحتی مسلمان)" گفته اند، "فقران نعمت" است که "خدای جهان (که فقط خدای تونست)" از این فقران نخواهد گذشت.

آقای حجتی کرمانی معتقد است که "پیش نویس جنجالی" قانون کار با یک چنین روحیه ای نوشته شده است و در مورد تنظیم کنندگان پیش نویس می نویسد: "نویسندگان محترم کار و کارگری و روابط بسیار پیچیده و فنی و علمی کار و کارگر در دنیای ماسین و تکنیک و صنعت و بیسرفت علوم و فنون و نظریات و عقاید و آراء و خلاصه بحلیم نظری و علمی ۰۰۰، که محصول سالیان دراز زحمت و مزارت و تلاش و پیگیری و تجربه و آزمایش ۰۰۰ ووو ۰۰۰ جهان بشری است (که) در دنیای امروزی علم بشر مطمح نظر صاحب نظران جهان و مسلمان و غیر مسلمان است، بی اعتنا مانده و اینها را نیز بهیچوجه به حساب نیاوردند".

نویسنده مقاله دلیل این فقران نعمت را "تلویحا" در شیوه ای می داند، که سازمان حجتیه به مسلمانان تحمیل کرده بود. شیوه ای که موجب شده بود، که "خود را شمار کشیده بودیم" و "نه از سیاست خبر داشتیم و نه از اقتصاد و نه از مسائل جهانی و نه و نه و (می گفتیم که) خدا هم وعده داده، که پیروزی نهائی را برساند و امام زمان (عج) میاید و همه گاه را درست می کند؟" سپس نویسنده سؤال می کند "مگر جز این بود؟"

وی پس از بر شمردن پیروزی انقلاب از آن صحبت می کند که "اشون ما در برابر آزمایش بزرگ دیگری هستیم و آن نگهداری از این هدیه گرانبها (انقلاب) و ابلاغ پیام آن به مردم جهان است." وی ادامه می دهد: "به این منظر باید "الگو" ساخت." وی هشدار می دهد: "که اگر در الگوسازی شکست بخوریم

در صد هر انقلاب هم بی شک شکست میخوریم، چون شکست در الگوسازی، یعنی شکست در خود انقلاب" و سؤال می کند: "انقلابی که در ذات خود پیروز نشود، چگونه میتواند صادر شود؟"

وی بار دیگر هشدار می دهد: "برادران، بد-انید الگوسازی ما بدون در آمیختن معنویت و مادیت، اخلاق با اقتصاد، سیاست با عرفان ظاهر با باطن، دین با دنیا و شناخت زمین و جهان و انسان (میسر نیست)" وی خاطر نشان می سازد که بدون "اصل قرار دادن معنویت و اخلاق و علم و صداقت و تقوی و وحدت کلمه" به عنوان مینا و پایه برای "بسه سامان رساندن زندگی مادی مردم و رهانیدن آنان از فقر و جوع و خوف و ناامنی و بوجورد آوردن محیطی پر از آبادانی و نعمت و صحت و عافیت و درستی و وفا و صفا و محبت و برادری" نمی توان "مردم را به تبعیت از این الگو فرا خواند".

حجتی کرمانی به علت جدا نبودن پیش نویس قانون کار از بقیه امور، روی سخن را در ادامه سخنانش از احمد توکلی فراتر میبرد و با هشدار دادن به "کل دولت و بالاتر، به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و دیوانعالی کشور، شورایعالی قضائی و همچنین دست اندرکاران (دیگر) امور" سؤال می کند که "برادران عزیز، پس از چهار سال، راه حلی که شما برای حل مشکل مسن، روابط کارگر و کارفرما، مالکیت صنعتی و کشاورزی، زمینهای مزرعی و اراضی شهری، بیمه و بانک و ربا و روابط تجاری بین-الطلی ارائه داده اید، چیست؟ این حرف که این خلاف شرع است، آن خلاف شرع است، ۰۰۰ بجای خود ۰۰۰ اما راه حل دیگر چیست؟"

وی در ادامه مطلب می نویسد: "اگر مسئله تجارت خارجی رد مینسود، اگر مصوبه اراضی مزرعی مخالف شرع تشخیص داده می شود، اگر در لایحه، معادن "ان قلت" وجود دارد، اگر مسئله بیمه زیر سؤال قرار میگیرد و اگر پیش نویس قانون کار، با آن که از متن فقه برگرفته میشود، جنجال بنا میکند، و اگر مصادره ها و ضبط اموال در شورایعالی قضائی مورد نظر مجدد قرار میگیرد ۰۰۰ و اگر هیچیک از اینها را نمی شود جدای از دیگری نگریست (پس) در کل این نگرش درمی یابیم، که ما در الگوسازی فروماندیم و پس از بحث های طولانی و نقض و ابرامهای مجلس و دولت ۰۰۰ نتوانسته ایم براه حلی برسیم".

وی دلیل این بین بست و قادر نشدن به ارائه "الگو" را "بی اعتنائی و بیبا ندادن به همه آنچه در گذر بشریت از تاریخ پر نشیب و فرازش گذشته است"، میداند، و معتقد است که در نتیجه این بی اعتنائی است، "که ما در تشخیص موقعیت جهان و روابط حاکم بر اقتصاد عصر ۰۰۰ دچار یک اشتباه عظیم تاریخی شدیم" و از این طریق، از جمله "موضوع کار و کارگر

امروز" (را، که) یک مسئله جهانی (است) و در ارتباط با کل سیاست و صنعت و استعمار (قرار دارد) ۰۰۰ (باید) در ارتباط با موجودیت و تکامل و پیشرفت انقلاب اسلامی ایران در نظر گرفته شود"، آنرا فقط در "کادر محدود کتاب" "چاره" می فقه بررسی کنیم و "برای آن حکم شرعی استخراج کنیم".

آقای کرمانی سپس پیش نویس قانون کار را که بجای حل "مشکلات (موجود) کارگری ۰۰۰ پاره ای از مشکلات نسبتا حل شده، مانند بیمه ساعات کار و حداقل دستمزد و امثال آن (را)، که پس از سالیان دراز ملالت و ستم شنیدن و استعمار شدن کارگران در جهان، (بدست آمده) ۰۰۰ هم نمی کند، بعنوان "واضح ترین دلیل بر نارسائی" این پیش نویس می داند و اظهار تعجب می کند، که "یک قانون که مربوط به کارگران است، بیمه را که در متن قانون کار سابق بوده و در متن واقعی زندگی کارگران (نیز) است، چنین مسئله را بیچ و بدیهی را خارج از قانون بداند!" به نظر نویسنده "این پدیده خطرناک، یعنی نشناختن موضوع "از آن جهت ممکن است، که بدستاردهای علم بی اعتنائی شده است و اضافه می کند "ما که می خواهیم در برابر این پدیده جدید، یعنی روابط کار و کارگر در جهان (امروز) ۰۰۰ حکم شرعی کنیم، باید بدانیم "کپنیز" و "ریکارو" و "اسمیت" و "مارکس" و "لنین" و "مائو" که پیش از ما این موضوع را شناسائی کرده اند، در این زمینه ها چه گفته اند و چه شناختی داشته اند و در کجا مرتکب اشتباه شده اند و راه اسلامی صحیح که بر راههای پیشنهادی این "شرقیان" و "غربیان" برتری دارد چیست؟" وی اضافه می کند: "برتری دارد" یعنی چه؟ و پاسخ می دهد: "یعنی بهتر مشکل را حل کند!" "مشکل" چیست؟ "مشکل فقر است: فقر-های عظیم" فقر" در کنار قله های عظیم "ثروت"، مشکل، ثروت بی حساب و کتاب با آورده کارتلها و تراستها و شرکت های چند ملیتی و وابستگان اقتصادی آنها در سراسر جهان و منجمله در جهان اسلام و منجمله در کشور اسلامی ایران است." وی سپس خاطر نشان می سازد که "ما اگر این مشکل را توانستیم بهتر از آنها" حل" کنیم، یعنی الگوسازی کنیم، یعنی واقعا حفره های فقر را با تراشیدن سرسختانه، قله های ثروت پر کنیم، یعنی واقعا مردم محروم را از محرومیت پرهانیم، یعنی واقعا تفاوت زندگی و امکانات زندگی کارگر و کارفرما را بحد عادلانه و خدای پسندانه و محمد (ص) پسندانه و علمی (ع) پسندانه برسانیم - اگر توانستیم، چنین الگو سازی بکنیم، (فقط) انوقت است که نوشتن کردن گرفتن و بخود بالیدن و به دنیا فخر

۲۴ آوریل روز یاد بود قتل عام ارامنه در ترکیه

دولتهای امپریالیستی را شریک جرم این جنسایت بزرگ دانستند .
در ۲۹ نوامبر سال ۱۹۲۰ در قسمت شرقی سرزمین کهن ارمنستان انقلاب سوسیالیستی پیروز شد . ملت ارمنستان در طی ۶۳ سال توانست با

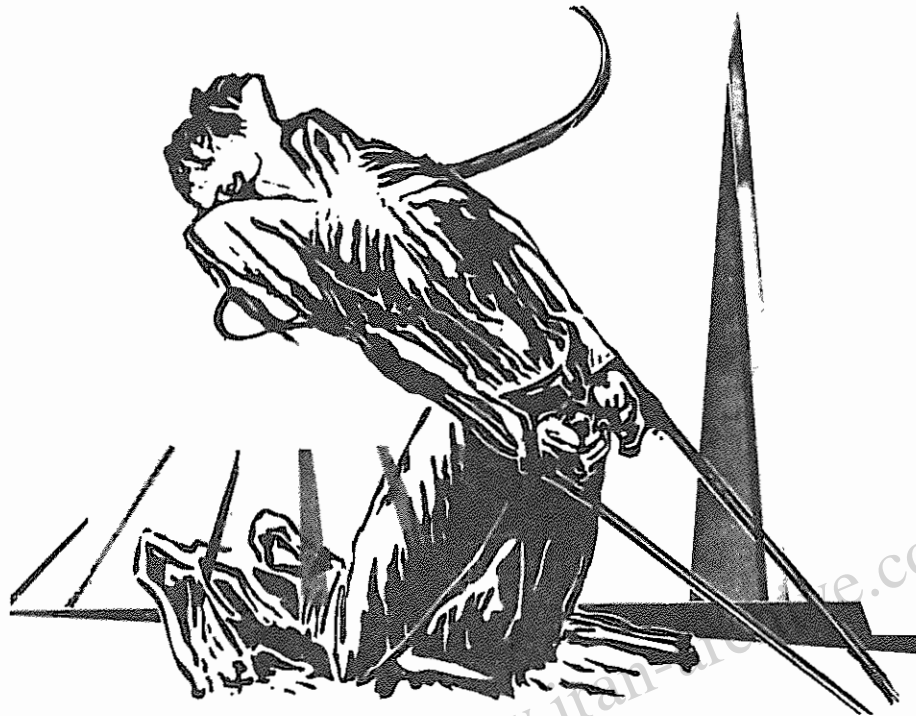
آیا آقای صدر اعظم اطلاع دارند که در طی این جنگ در امپراطوری ترکیه که هم پیمان آنان میباشند صد ها هزار نفر از ارامنه سر به نیست و یا از محل زندگی خود رانده شد مانند ؟ کارل لیبکنشت کمک های دولت آلمان را به دولت ترک های عثمانی که

همزمان با نهضت های رهائی بخش ملی خلق های زیر ستم امپراطوری عثمانی ، جنبشهای آزاد بخش ملی ارامنه نیز بر علیه یوغ سنگین ترک های

عثمانی در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم به اوج خود رسید . مبارزات استقلال طلبانه خلق های بالکان به پیروزی انجامید ولی جنبش آزادی بخش ملی ارامنه ارمنستان غربی به خشن ترین شکل سرکوب شد . دولت " ترک های جوان " و سران حزب " اتحاد و ترقی " با یک برنامه مخفی و از پیش تنظیم شده تصمیم به قتل عام ارامنه گرفتند . در این قتل عام وحشت انگیز که از سال ۱۹۱۵

آغاز شد بیش از یک و نیم میلیون نفر از جمعیت سه میلیونی ارمنستان غربی به فجیع ترین شکل کشته و نابود شدند . در حدود یک میلیون نفر آواره به کشورهای مجاور سوریه ، لبنان ، ایران ، بلغارستان روسیه و دیگر کشورهای اروپا و آمریکا پناه بردند و ارمنستان غربی از ساکنان بومی خود خالی شد . " ترک های جوان " با کمک های نظامی - اقتصادی - سیاسی دولت های امپریالیستی که بقصد تقسیم مجدد جهان آتش جنگ اول جهانی را بر افروختند و با شرکت مستقیم آلمان اولین قتل عام بزرگ قرن بیستم را به مرحله اجرا در آوردند . تاریخ نمونه های دیگر چنین جنایتی را دیده و ما امروز هم شاهد بسیاری از جنایتهای امپریالیسم هستیم .

در آن زمان که هنوز جامعه کشورهای سوسیالیستی بوجود نیامده بود تنها دوستان ملت ارمنی شخصیت های مترقی جهان و قبل از همه کمونیست ها بودند که قتل عام ارامنه را محکوم کرده و سیاستهای استعمارگرانه دولت های امپریالیستی را افشاء نمودند . کارل لیبکنشت از رهبران برجسته جنبش کارگری آلمان در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۶ در پارلمان آلمان خطاب به صدراعظم آلمان می پرسد :



الهام گیری از نیروی خلاق سوسیالیسم و با کمک و همکاری برادرانه دیگر ملت های شوروی به دستاورد های چشم گیری نائل آید . ملت قتل عام دیده دیروز ، امروز دارای یک جمهوری شکوفا می سوسیالیستی است .

عامل قتل عام یک و نیم میلیون انسان بی گناه است محکوم می کند . روزا لوزمبورگ ، ماکسیم گورکی ، انا تول فرانس ، فرد هوف نانسین ، رهن رولان و دیگر شخصیت های جهانی در طی نوشته ها و نطقها متعدد خود قتل عام ارامنه را محکوم کرده و

آیا این " انشاء نویسی " نیست ؟

معد از صحنه ۱۵

مطرح است ، که پس چرا هیئت نمایندگی ایران در هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد یک چنین پیشنهادی را مطرح می سازد ، که خود در توضیح ، درباره آن اضافه می کند که " مدت مدیدی طول خواهد کشید تا این پیشنهاد ... جا بیفتد . "

یک علت می تواند این باشد ، که این پیشنهاد مشخص " بنام ایران ثبت تاریخ شود و اکنون هم به نفع ایران تاثیر " تبلیغاتی " داشته باشد . علت دیگر می تواند این باشد ، که انسان با خوشبینی بسیار زیاد ، به این نتیجه برسد ، که واقعا بتوان فهد ها و صدام ها را " متقاعد " کرد ، که " به نفع " آنها است و " انسانی " و " اسلامی " است ، که ارزش خود را از جنگ امپریالیسم آمریکا خارج سازند و از آن به عنوان " موضعگیری مبارزه " علیه ارباب خود استفاده نکنند . به عبارت دیگر با خوشبینی

نداسته باشند ، که امید وارند بتوانند ، پند و اندرز راستگرایان ، تروریست های اقتصادی ، مدافعان کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و حتی خود این غارتگران را " رام " کنند و آنها را بر خلاف منافع طبقاتی خود شان (که آنها را خوشبینانه " دوستان نادان " نامیده اند) به تن دادن و محترم شمردن و تامین منافع زحمتکشان جلب کنند ، آنوقت چنین پیشنهاد های خوش باورانه ای هم در کنفرانس کشورهای غیر متعهد مطرح نمی شدند .

البته از دیدگاه تئوریک یک علت دیگر هم می تواند برای طرح این گونه پیشنهاد ها وجود داشته باشد ، که به نظر ما و یا شاخختی که ما از مسلمانان مبارز داریم ، در این مورد مشخص نمی تواند مطرح باشد ! این علت آن است ، که بخواهیم به جای اقدام عملی و کوشش برای اجرای یک سیاست واقع بینانه با طرح پیشنهاد های خوشبینانه و انقلابی ، ولی غیر عملی ، " انشاء نویسی " کرده و به این وسیله توجه زحمتکشان را از مسائل عده به مسائل غیر عده جلب کنیم !

زیاده از حد تصور شود ، که می توان با پند و اندرز گرگ خونخوار را به عابد مظلوم تبدیل کرد ، می توان با پند و اندرز و موعظه باعث شد ، که چاقو دسته خود را ببرد ! و یا به زبان ساده تر ، ما می توانیم با پند و اندرز ستمگران را متقاعد سازیم که آنها از منافع طبقاتی خود ، از سود ویژه ای که جایگاه و پایگاه طبقاتی به آنها می رساند ، صرف نظر کنند ! ؟

این خوشبینی کشنده است . اما باید اعتراف کرد ، که در کنفرانس کشورهای غیر متعهد فقط ساخ و برگ این خوشبینی غیر طبقاتی ، این خوشبینی غیر واقع بینانه ، این خوشبینی غیر انقلابی تظاهر کرده است در حالیه ریشه های اصلی آن در برداشت گروهی از مسلمانان مبارز و دلت مردان جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده است . اگر در ایران نیروهای صادق خوشبینی وجود

در هفته ای که گذشت:

برای آزمایش " می دانند، براه افتاد هاند و مدعی می شوند که " خوی کاخ نشینی " چیزدی است و برعکس " کوخ نشینان " منشا خیراند پس کوخ نشینی چیز بسیار خوبی است و فقر و محرومیت باید حفظ شود!

اما پیروان راستین خط امام تعبیر مردمی و انقلابی خود را از سخنان امام ارائه می دهند. سر- مقاله نامبرده در روزنامه کیهان در این زمینه می نویسد:

" آنچه امام (در رابطه با " خوی کاخ نشینی " - راه توده) هشدار می دهند و این هشدار برای تک تک آحاد جامعه و مسئولین می باید همیشه زنده باشد، این نیست که عناصر ناآشنا و بیگانه با اسلام و انقلاب جایگزین عناصر مسئول و انقلابی شوند، این یک تغییر روشنی است که در فضای درحشان یک جامعه انقلابی بوضوح قابل رؤیت است. این هشدار بیشتر آن تغییر و تحولی را در برمی گیرد که خود آن دست اندرکارانی که " بحمد الله کانه نشین نیستند " بتدریج و در یک روند آرام و ناآشکار " به کاخ نشینی توجه بکنند " و از " خلق ارزنده کوخ نشینی بیرون برونند " "

واقعیت اینست که بخشی از دست اندرکاران جمهوری اسلامی ایران مدتی است که این روند آرام و ناآشکار را پشت سرگذاشته اند و کمر بخدمت سرمایه داران و زمینداران بزرگ بسته اند و بقول حجت الاسلام رفسنجانی " به اسم علم و دین از میلیاردرها علیه فقرا دفاع میکنند " "

باید اضافه کرد که این " روند آرام و ناآشکار " بیش از هر چیز در ادامه حیات نظام اقتصادی - اجتماعی رژیم گذشته ریشه دارد. اگر پایه اقتصادی - اجتماعی این نظام از اساس دگرگون نشود، " خوی کاخ نشینی " بتدریج جای " خوی کوخ نشینی " را می گیرد و در این هیچ شکی نیست. واقعیت این است که اگیسر دست اندرکاران از مردم و خواسته های آنها جدا شوند، و در اجرای این خواسته ها تزلزل نشان دهند، کم برای توجیه سستی و معاشات خویش ناچارند که بگویند: " مردم بیش از حقشان می طلبند " "

" امروز، همین امروز، فردا دیر است " باید مردم را به صحنه آورد تا با مردم و برای مردم تعرض راستگرایان در هم شکسته شود. کار انقلاب - ب دیگر با بحث های ظاهرا " علمی و اسلامی " پشت درهای بسته و جستجوی " راه های میان " و سازش پیش نمی رود، باید نیروی لایزال " کوخ نشینان " به میدان آید تا همه محاسبه مخالفان تعمیق انقلاب بهم بریزد .

زحمتکشان و محرومان جامعه اجرای تمام و کامل قانون اساسی را می طلبند

زحمتکشان و محرومان جامعه ما یعنی آن ۹۸/۲ درصدی که در نخستین همه پرسی روزهای دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ با رأی خود به جمهوری اسلامی ایران رسعیت دادند و سپس بقید درصفت ۱۳

حضرت آیت الله منتظری در این باره می گویند:

" باید توجه کنیم کمتر شعار داده شود و بیشتر عمل کنیم نباید احساس شود که مباحثه ها و شعارها از کارهای انجام شده بیشتر است ... " (اطلاعات ۱۴ فروردین ۶۱)

واقعیت این است که بخش وسیعی از محتوای روزنامه های صبح و عصر کشور را تنها مباحثه ها و موضوگیری ها و شعارهای مسئولین کشور پر می کنند و از عمل انقلابی بفتح زحمتکشان خبری نیست و این رنگ خطری است برای انقلاب که اگر آن " فردایی که آیت الله موسوی اردبیلی گفتند " دیر است " فرا رسد، بجای آنکه مهلت " خدمت به مستضعفین " باشد، دشمنان محرومان و عناصر صدیق خط امام ضربه نهایی را بر پیکر جمهوری اسلامی ایران وارد سازند .

این همان نگرانی است که ذهن مردم زحمتکش میهن ما و همه نیروهای انقلابی را به خود مشغول ساخته است .

نظام اقتصادی - اجتماعی باید از اساس دگرگون شود

بد نبال سخنان نوروزی امام خمینی در رابطه با ضرورت رسیدگی به وضع " کوخ نشینان " و مقابله با آنچه امام آنرا " خوی کوخ نشینی " نام نهادند، این سخنان امام در معرض تعبیر و تفسیرهای متفاوت قرار گرفته است .

حتی راستگرایان محافظه کار در جمهوری اسلامی ایران نیز، با توجه به جوی که از نقطه نظر سیاسی - تبلیغاتی در جامعه حاکم شده، دم از " خدمت به مستضعفین " می زنند و خود را آنقدر هماهنگ با این خواست اساسی مردم و پیروان خط امام نشان می دهند که بقول روزنامه کیهان، کلمات " استضعاف " و " مستضعف " و " محرومیت " و " کوخ نشینی " هم به " استضعاف " دچار شده اند! سرمقاله کیهان (۱۱ فروردین) می نویسد:

" هیچکس نخواهد آمد که بگوید برای نجات مستضعفان، برای از میان بردن محرومیت و ائصاف به اخلاق ارزنده کوخ نشینی وارد میدان نشده است، و هیچکس نخواهد گفت که درد مردم و محرومین و انقلاب و اسلام و ... را ندارد، ولی وقتی که به صداق می رسد و پرده ها می افتد، " معلوم می شود که در چه کاریم همه " " برآستی نیز هنگامی که " صداق " های اصلاحات ارضی، قانون کار، دولتی کردن بازرگانی خارجی و ... مطرح می شود، عیان می گردد که یکی " در کار " خدمت واقعی به محرومین و دیگری " در کار " دفاع از کلان سرمایه داری و بزرگ زمینداری است .

کار تعبیرها و تفسیرهای گوناگون از کلام امام حتی بجایی رسیده است که امثال آقای تولگی که اختلاف طبقاتی را " ودیعه خداداد

۱۵ کیلومتر مربع دیگر از خاک ایران آزاد شد

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه گذشته نیروهای مسلح جمهوری اسلا- می ایران متشکل از ارتش، سپاه، بسیج در اولین مرحله از عملیات الفجر، ۱۵۰ کیلومتر مربع دیگر از خاک میهن انقلابیمان را که تحت اشغال متجاوزین صدامی بود، آزاد ساختند .

به گزارش همین خبرگزاری در این عملیات که همچنان ادامه دارد، تا کنون بیش از ۵۰۰۰ نفر از بوی دشمن کشته و مجروح شده اند و ۳۵۰ تن به اسارت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در آمده اند و تعداد زیادی تانک و خودرو و تجهیزات نظامی متجاوزین منهدم گردیده است .

امروز زمان عمل است فردا دیر است

در هفته گذشته نیز همچون هفته های پیشین در سخنرانی ها، مباحثه ها و موضوگیری های مسئولین و شخصیت های سیاسی و مذهبی از لزوم " خدمت به مستضعفین " سخن بسیار رفت .

رجزنامه جمهوری اسلامی در ۲۰ فروردین می رسید:

" برای انقلابی با نام انقلاب اسلامی و برای نظامی با نام جمهوری اسلامی زشت و ناپسند است که پنج سال از عمرش بگذرد و نتواند در این مدت بر پیکر دیو وحشی بی عدالتی ضربه ای ثاری وارد کند " "

روزنامه جمهوری اسلامی در آن سرمقاله همچنین می نویسد:

" جوکنونی میتواند این خطر را داشته باشد که همه برای آنکه خود را همفکر امام قلمداد کنیم در غرقاب شعار دادن ها غرق شویم و سرانجام سال ۶۲ هم پایان برسد و باز هم در رحم همین کوچه باقی مانده باشیم " "

یعنی در حالیکه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و تروریست های اقتصادی مشغول غارت مردم زحمتکش میهن ما میباشند و بطور مداوم عناصر صدیق خط امامی را با تهمت و افترا لکه دار می کنند تا بتوانند آن ها را از پست های حساس برکنار کنند و خود تمام دستگاه را در دست بگیرند، در حالیکه راستگرایان و خادمین سرمایه ایران را به زندانیان مدافعین انقلاب تبدیل کرده اند، مسئولین کشور بجای عمل انقلابی و قاطع بفتح زحمتکشان و محرومان و اجرای تمام و کامل قانون اساسی غرق در شعارها و مباحثه ها شده اند و مرتب وعده میدهند که امسال دیگر سال عمل در جهت مستضعفان است .

در هفته ای که گذشت

بند ۱۲ ص ۱۲

با خون عزیزان خود پای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این سند گرانبهای انقلاب را امضا کردند بخوبی میدانند که اگر نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول مندرجه در قانون اساسی از جمله اصول ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ که در حقیقت تکلیف سنگینی اقتصادی جامعه ما را روشن کرده اند پی ریزی شود فاتحی ستعگری و استعمار کلان سرمایه داران خوانده خواهد شد از سوی دیگر کلان سرمایه داران غارتگر نیز نیک میدانند که اگر چنین شود، دیگر جایی برای آنان باقی نخواهد ماند .

گزارشگر روزنامه کیهان به میان مردم رفته و از آنها درباره سخنان آیت الله مشکینی (راه تسوده - شماره ۳۵) در رابطه با لزوم اجرای اصول ۴۵ و ۴۶ قانون اساسی نظر خواهی کرده است. گزارشی که از این طریق تهیه شده و در روزهای ۱۱ و ۱۴ فروردین در این روزنامه آمده است، بخوبی بیانگر آن است که مردمی که به قانون اساسی رای دادند، بحق از مسئولین می طلبند که اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی اجرا شود .

روزنامه کیهان می نویسد :

" مردم می گویند کسانی که با توطئه های مختلف مانع اجرای اصول مترقی قانون اساسی میشوند در حقیقت ایادی ضد انقلاب هستند زیرا هر کدام از این اصول بر مبنای نیازهای اجتماعی و اقتصادی دوران انقلاب نوشته و تنظیم شده است ."

یکی از کسانی که مورد خطاب قرار گرفته می گویند : " ۴ سال است که از تصویب قانون اساسی گذشته است . اکنون با گذشت این مدت ضرورت دارد که کلیه نیروهایی که حریفان اجرای قانون اساسی هستند و در دولت جمهوری اسلامی قصد خدمت به مردم را دارند این قانون را هر چه سریعتر پیاده کنند . به اعتقاد من مسئولان باید مردم را در جریان دقیق اجرای این قانون قرار دهند و مشکلاتی را که در این زمینه برای آنان وجود دارد برای مردم بازگو نمایند ."

مردم تعطیل در اجرای قانون اساسی راجلین نمی شمردند و به اعتقاد آنها ، اگر از اجرای قانون اساسی ، گروهی ناراضی شوند ، بگفته آیت الله مشکینی نباید از ناراضیاتی آنها هراسید و باید قانون اساسی را با قطعیت اجرا کرد . مردم این رابطه می گویند :

" قانون تا زمانیکه به مرحله اجرا در نیامده است تا تاثیر مهمی در جامعه نخواهد داشت . قانون اساسی هم وقتی اهمیت واقعی خود را پیدا می کند که توسط دولت اجرا شود . اگر اموال نامشروع به نفع مردم صادره شود ، مسلماً اکثریت جامعه خوشحال خواهند شد و کسانی ناراضی می شوند که در اقلیت قرار دارند ."

اجرای اصول انقلابی و مردمی قانون اساسی (از جمله اصول ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ که مقصود محدود کردن مالکیت های کلان و دولتی کردن

رشته های مهم اقتصاد مانند بازرگانی خارجی است) خواست همه مردمی است که با نثار خون خود ، نهال این قانون را آبیاری کرده اند . آنها می که امروز در مقابل تعرض مدافعین بزرگ ما - لکی و کلان سرمایه داری عقب می نشینند و پیسه نوشته " روزنامه کیهان " بجای مقابله همه جانبه راه مشاقت و انفعال را در پیش می گیرند ، و طوری رفتار می کنند که انگار این کشور چیزی بنام قانون اساسی ندارد ، فردا در پیشگاه تاریخ و همین مردم پاسخگو خواهند بود ، چرا که مردم حقشان را ، حق مسلمشان را ، و نه چیزی بیشتر می طلبند . مردم می طلبند که طبق نص قانون اساسی ، بزرگ مالکی برچیده شود و غارت سرما - یه داری محدود گردد . مردم می طلبند که نظام اقتصادی - اجتماعی قانون اساسی تحقق یابد .

● مردم می گویند کسانی که با توطئه های مختلف مانع اجرای اصول مترقی قانون اساسی میشوند در حقیقت ایادی ضد انقلاب هستند زیرا هر کدام از این اصول بر مبنای نیازهای اجتماعی و اقتصادی دوران انقلاب نوشته و تنظیم شده است .

سرمایه تجاری اساس جمهوری اسلامی را تهدید می کند

امام خمینی بمناسبت ۱۲ فروردین ، روز جمهوری اسلامی ، پیامی فرستاد نذک در آن ، از جمله آمده بود :

" کران فروشان و محترکان بی انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است . امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود ، کوشش تضعیف اسلام است . اینجانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواستگ استه ترو خشک با هم بسوزند و راه گریزی در کار نباشد ."

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته به این امر اشاره کرده و گفت :

" امام نگرانند از این مسئله (احتکار و کران فروشی) و آن نصیحتی که امام کردند ، گفتند خود کاسیها ، یک فکری بکنید . این نصیحت ساد های نیست که امام از آن بگذرند ، یادستان هست که قبل امام درباره خلیلی چیزها اول نصیحت می کردند ، وقتی دیدند گوش به حرف نمی کنند ، آن تصمیم مقتضی را جای خودش می گیرند ."

امروز دیگر برهنگان آشکار است که فعالیت لجام کسخته و غارتگرانه سرمایه داری تجاری ، اساس جمهوری اسلامی را تهدید می کند و دیگر مدتها است که وقت آن " تصمیم مقتضی " رسیده است . سرمایه دار جماعت به پند و نصیحت گوش نمی کند .

روزنامه کیهان در این باره بدستی می نویسد :

" بازار کهرگ حیات اقتصادی يك جامعه محسوب و مناسبات آن نشان دهنده نوع نگرش به تجارت و گردش اقتصادی يك نظام میباشد در گذشته و نظام سابق متناسب با ساخت اقتصادی آن که مبتنی بر اصول سرمایه داری بوده شکل گرفته ، پس از انقلاب احتیاج به دگرگونی و تحول اساسی داشته تا بتواند آرمانها و اهدافی را که انقلاب و جمهوری اسلامی در عرصه اقتصادی در جامعه ایجاد کرده بود تحقق بخشد . ملی کردن تجارت خارجی ، از بین رفتن دلالی و واسطه گری که عوامل گرانی و کمبود و بازار سیاه هستند و هم اکنون یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی مردم و جامعه به شمار میرود منوط و وابسته به دگرگونی در مناسبات اقتصادی داشته و دارد که اگر از نظر دور بماند و توجه لازم به آن نشود چهار سال دیگر را پشت سر خواهیم گذاشت که این بار شاهد تسلط شکل و قالبها نیز باید بود ."

نظام توزیع باید از اساس دگرگون شود . نظم کنونی بازار بر روابط لجام کسخته سرمایه داری مبتنی است ، و سرمایه داران و تجار بزرگ با سود کلانی که هر روز بیشترش می کنند و بنگ آن هر روز قدرت اقتصادی و سیاسی فزون تری دست و پا می کنند ، اساس نظام جمهوری اسلامی را تهدید می کنند . وقت اجرای قاطع قانون اساسی ، دولتی کردن بازرگانی خارجی ، بسط شبکه دولتی توزیع داخلی و گسترش و حمایت از تعاونی ها فرا رسیده است .

سهیمیه کالای تعاونی "امکان" نامعادلانه است

اتحادیه امکان که تعاونی های مصرف حدود ۱/۲ میلیون نفر کارگر را در بر می گیرد ، در حقیقت با احتساب افراد تحت تکفل اعضای این تعاونی ها باید ۶ میلیون نفر را تحت پوشش توزیع کالاهای ضروری قرار دهد . بدین ترتیب باید يك ششم یعنی ۱۷ درصد کالاهای توزیع شده در سراسر کشور در اختیار این اتحادیه قرار داده شود .

اما وزارت بازرگانی برای این اتحادیه سهیمیه ای معادل سه درصد (!) در نظر گرفت که اعتراض وسیع توده های کارگران را برانگیخته بدنیال این اعتراضات ، اخیراً اعلام شد که ستاد بسیج اقتصادی این سهیمیه را به ۱۰ درصد افزایش داده است که با توجه به رقم ۱۷ درصدی که قاعدتاً باید سهیمیه این اتحادیه باشد ، باز هم مقدار اندکی است .

این تحولات و همزمان با آن حرکت وسیع توده های کارگران در دفاع از اتحادیه تعاونی های مصرف کارگری ، بدنیال هجومی انجام گرفت که مسئولین کارگر ستیز وزارت کار با انحلال هیئت دوازده نفره منتخب این اتحادیه علیه " امکان " بعمل آوردند .

کارگران آگاه و انقلابی همچون سایر عرصه ها ، در عرصه دفاع از تعاونی های مصرف کارگری نیز ، فعالانه بیدار می آیند و با طومارها و نامه های سرگشاده ، توجه مسئولین جمهوری اسلامی ایران را به حمایت از تعاونی های زیر جلب می کنند .

اعتراف مجله سرورش پیرامون انحطاط هنر در جمهوری اسلامی ایران

"دلسوزی میگفت اگر روز قیامت بخواهند اسراف کاران را در آتش بسوزانند آتشی الاید دروخ را میتوان با کاغذ این پوسترها و تراکتها و مجلات پس از انقلاب تهیه کرد" به این اعتراض تلخ ویژه نامه مجله سرورش بمناسبت چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب این نکته را نیز باید افزود که کاغذها و رنگهای مصرف شده برای این پوسترها و تراکتها و مجلات با دلار، پوند و مارک از خارج وارد کشور میشود و در واقع اندوخته های ارزی کشور بصرف این کارهای بیفایده میرسد. همین مجله سرورش مینویسد: "۸۰٪ پوستره های چاپ شده پس از انقلاب از کیفیت بسیار بسیار ضعیف هنری برخوردار است که گاه انسان خیال می کند شاید سازندگان این پوسترها، تمام استعداد خود را مصروف تولید کاری با کیفیت بد و نازل کرده اند. مگر کسی با شلاق بالای سر ما ایستاده تا ما پوستر در تیراز صد هزار عدد چاپ کنیم، آنهم با بدترین نقاشی ممکن".

متأسفانه باید گفت این اسراف وحشتناک در هدر دادن منابع ارزی کشور، تنها منحصر به مسئله چاپ پوستر و تراکت و مجله های رنگارنگ نیست. این آشوب زن پول را، هم در صفحات زیاد چهار روزنامه مجاز میتوان مشاهده کرد، هم در ۲۴ ساعت برنامه داخلی و ۳۸ ساعت برنامه خارجی روزانه رادیو ایران، هم در فیلم سازی پرز تلویزیون هم در بسیاری عرصه های دیگر. همه آنها مثل ریگ بیابان پول مصرف میکنند اما چیزی هایی تهیه مینمایند که کمتر کسی تحمل میکند یا چند لحظه به آنها گوش فرا دهد یا آنها را ببیند و بخواند، زیرا در نازل ترین سطح هنری قرار دارند و گاه با عرض معذرت تهنوع آورند. ببینید آقای محمد هاشمی مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی در مورد مجلاتی که در کشور چاپ میشود چه میگوید: "ما الان بدون تحارف نشریات مختلفی را مینیمیم که تقریباً کپیه یکدیگرند. ممکن است از نظر اسمی تفاوت داشته باشند ولی وقتی محتوی را نگاه میکنید همه یک چیز را میگویند".

مجله سرورش ارگان "صدا و سیما جمهوری اسلامی" است. بنابراین باید متوجه بود که بعنوان صاحب نظر درباره جایگاه هنر در جمهوری اسلامی، موضعگیری کند. این مجله حقایق جالبی را در مورد سیر قهقراپی هنر چهار سال پس از انقلاب فاش مینماید: "متأسفانه هنوز چهارچوب کلی حرکت هنری مشخص نگردید و هر کس به رای خود ساز میزند، در حالیکه همه هم دم از هنر میزنند. اگر علاقهای به رشد و شکوفایی هنری بود هیچگاه تخریب آثار با ارزش معماری و یا تعطیل نگارخانه های خطاطی و نقاشی و یا فاجعه سیر قهقراپی هنرهای دستی با بی تفاوتی مسئولین برگزار نمی شد. ۰۰۰ گاه

گاهی امر به خود ما هم مشتبه میکرد و میبند از وظیفه خود را بخوبی انجام داده ایم. چه بسا کارهای تبلیغی ما که محتوای بسیار خوب هم داشته است، تنها بدلیل شیوه بد عرضه آنها به ضد تبلیغ بدل گشته است. اینها خیانت است. ویژه نامه مجله سپس می نویسد: پیش از اینها پیشنهاد کرده بودیم که شورایی بنام شورای عالی هنر تشکیل گردد تا به آشفتگی و اسراف و سرزد رگمی و بی برنامهگی در عرصه هنر رسیدگی شود و برای این امر مهم برنامه ریزی گردد. اما خبری نشد که نشد. سکوت و بی تفاوتی".

نویسنده مقاله بدلیل ناموجه از میان شاخه های هنری فقط معماری و تئاتر و سینما و نقاشی و خطاطی را بر میگزیند که بنظر او گویا از کاربرد بیشتری برخوردارند. چرا که به عقیده او تئاتر، سینما و نقاشی ریشه در تعزیه و نقالی و سیاه بازی دارند و خطاطی نیز از ایدئولوژی سرچشمه گرفته است! هنر موسیقی در تمام ابعاد آن چه محلی و ملی و چه جهانی بکلی نادیده گرفته شد و حتی نفی گردیده است. نویسنده مدعی است "یقیناً باله و اپرا هر چند که آمیختگی تئاتر در رقص و آوازند، هیچکدام جایی در این سرزمین ندارند و نهایتاً کاربرد ندارند! بدیگر سخن برای موسیقی و رقص و آواز، سه هنر عمده باستانی که هنوز در دوران پیش از اسلام از چنان شکوفایی برخوردار بوده که بتدقیق دانشمندان پایه و اساس موسیقی شرقی قرار گرفته است، قهقراپی جایی نمی یابند و آنها را بدون کاربرد ارزیابی میکنند. بدرود ماهور، سه گاه، چهارگاه و دشتی و ترانه های محلی و رقص های عجیب شده در خون ما! بنا به نوشته سرورش باید در میان شاخه های هنری، تئاتر و سینما، خطاطی و معماری را اختیار کنیم و کمر همت ببندیم".

نویسنده یاد آور میشود که قبل از انقلاب "از استعداد های فعال و جوشان جوانان استفاده نمیشد، حلقه محدود هنریا در اختیار کسانی بود که با دستگاه ساخته بودند و خوش بودند، هم چنانکه امروز هم تلاش میکنند با جمع بندی اسلامی کنار بیایند و برای امام حسین و حضرت علی فیلم بسازند، و یا در اختیار هنرشناسان تکنوکرات بی خط ۰۰۰". پس از انقلاب "عطش و طیش شدیدی در بین نیروهای با استعداد برای فراگیری تکنیک و ارائه اثر بچشم میخورد که متأسفانه بعلمت عدم هماهنگی لازم بین ارگانهای تبلیغی، عدم برنامه ریزی صحیح و فقدان چهارچوب مدون، بی توجهی، عدم امکانات، ناآگاهی مسئولین هنر از مقوله هنر و ۰۰۰ بسیاری از استعداد ها هدر رفت و ذوق و شوق هاد را آتش حسرت سوخت".

سپس نویسنده مقاله به چگونگی حرکت تک تک شاخه های هنری میپردازد و تأثیر خود را ابراز می دهد. فیلم سازی: بهترین سوره های انسانی

اخلاقی فرهنگی، نظامی، سیاسی در این چهار سال پیروزی انقلاب وجود داشته است. اما هنوز فیلمی که ارزش بین المللی داشته باشد و یساً توانسته باشد گوشه های از عظمت رویدادی را به تصویر بکشد ساخته نشده و اگر هم شده از تعداد انگشتان دست تجاوز نکرده است. این مسئله درد آور است. ۰۰۰ آخر چرا باید چنین فاجعه ای رخ دهد. چرا باید نهاد های انقلابی که وظیفه شان غیر از فیلم سازی است، فیلم بسازند، آنهم با کیفیت ضعیف؟

تئاتر: پس از پیروزی انقلاب نیروهای بسیار فعال و با استعداد از سراسر ایران خود را متشاعر دادند و بعلمت کم توجهی علیرغم علاقه و کوشش تئاتر را رها کردند. و به کارهای دیگر پرداختند. گروه های بسیاری در شهرستانها وجود داشته و دارند که با استعداد و فعالند اما بدلیل عدم امکانات مادی و آموزشی نمی توانند رشد کنند. نقاشی: پس از پیروزی انقلاب نقاشی نخست سیر صعودی داشته و بعد از مدتی سیر نزولی را آغاز کرده است. بسیاری از آتیه های نقاشی تعطیل گردیده است. اگر به اصفهان بروی و در میان بازارها و خیابان های اصلی قدم بزنید چه بسیار آتیه مینیاتور و تذهیب را مینبینی که به نمایشگاه اتومبیل و بنگاه معاملات ملکی و ساندویچ فروشی تبدیل شده اند. نقاش های ورزیده را پیدا میکنی که نقاشی را رها کرده اند و به مشاغل دیگر پرداخته اند. این سیر نزولی معلول بی توجهی ما و کم بها دادن دولت به این شاخه هنر است.

در پایان، ویژه نامه سرورش چند پیشنهاد میکند که یکی از آنها "محدود کردن دامنه چاپ و انتشار کارهای تبلیغی بر روی کاغذ و پارچه برای جلوگیری از اسراف و اعمال ضد تبلیغی است" و دیگری اینکه وزارت فرهنگ و آموزش عالی با مسئله هنر جدی تر برخورد نماید و به عدای از جوانان با استعداد و مومن بورسهای جهت فراگیری شاخه های هنر و تکنیک های جدید آن برای خارج از کشور اعطا کند. "شکفتا! در حالیکه فضا را برای زندگی و رشد هنر و هنرمند روز بروز مسدودتر می کنند، میخواهند عدای را به آمریکا و اروپا بفرستند تا برایشان هنر به ارمغان بیاورند! از یک سو ارز دانشجویی کسانی را که در خارج در رشته های هنری تحصیل میکنند، به این بهانه که به درد جمهوری اسلامی نمیکشد قطع می نمایند و از سوی دیگر با چنین پیشنهاد هایی آشنا میشویم. از اینهمه سردرگمی و ضد و نقیض گویی سردر نمی آوریم. مقاله ویژه نامه سرورش نیاز چندانی به تفسیر ندارد. همه چیز با زبان بی زبانی گفته شده است و هر کس میتواند بعلم انحطاط هنر در جمهوری اسلامی ایران با اندکی اندیشیدن پی ببرد

"الگوسازی" یا "راه سوم" کوره راه است!

بقیه از صفحه ۱۰

فروختن و شعار "نه شرقی و نه غربی" دادن و دعوی صدور انقلاب کردن (فرا رسییده) است!

متحدین طبیعی در نبرد سرنوشت ساز! لحن متواضعانه و متین نویسنده و برخوردار علمی وی به مسائل، بی غرضی او در تحلیل، در عین جانبداری پافشارانه او به اعتقادات مذهبی خود، یک بار دیگر نشان می دهد، که برداشت حزب ما از مسلمانان مبارز، ما - میان زحمتکشان و مستضعفان، که به دور خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، رهبر انقلاب جمع شده اند، پایه عینی و واقعی دارد. همانطور که از تجربه این چند سال پس از انقلاب و از گفته های نمایندگان این نظریات دریافت می شود، مسلمانان مبارز نیز همانند پیروان راستین سوسیالیسم علمی درگیر نبرد

سخت و سرنوشت سازی با راستگرایان و مداخله فغان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی - مداخله فغان "قله های ثروت های" باد آورده هستند. آنها برای نگهداری از این "هدیه گرانبها" که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ماست، بر مبنای اصول اعتقادات مذهبی واید ثلوثیگ خود مبارزه می کنند، ما نیز بر اساس بینش و تحلیل طبقاتی و سیاسی خود از همین "هدیه گرانبها"، از این انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی دفاع می کنیم. این یکی بودن نبرد و این وحدت عمل است، که ما را بطور عینی و بدور از خواست های ذهنی، متحد طبیعی یند یگر ساخته است. اختلاف نظر ما با نویسنده مقاله از جمله در این است، که وی در عین پذیرش این اصل، که باید از "شرق" و "غرب" آموخت، تنها

بتوان چیز نوئی و "الگوئی" ویژه خود ارائه کرد، به این نکته تاکید نمی کند، که برای پیروزی رساندن انقلاب خود، باید از تجارب انقلابات آزاد بیخس خلقهای دیگر آموخت. به این نکته تاکید نمی کند، که "الگوسازی" ما را فقط باید اینگونه فهمید، که انقلاب ما چگونگی می تواند اهداف خود امپریالیستی و خلقی خود را - استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی - "که در دتر"، "سرپرتر" و "هدفمندتر" تحت بخشد؟

برای دسترسی به این اهداف تجارب انقلابات آزاد بیخس پیروزمند و شکست خورده "الگوئی" گانه ای را ارائه می دهند. نباید به امید یافتن "راه سوم" و "الگوسازی" های خارج از این تجارب سانس به پیروزی رساندن انقلاب را فد کرد نماید آرمود مرا یک یارد یگر آموخت! این الگوئی موجود می آموزند، که انقلابا با پیروزمند آنها هستند. در سیاست داخلی تحولات بنیادی به نفع خلق را بلافاصله با قطعیت و پیگیری علییه ستقران اجرا کردند، زمین را تام و تمام از کلان زمینداران ستانند و به دهقانان داد و هر - مایه داران بزرگ زالو صفت را از کارخانه ها بیرون رانند و با تجهیز کارگران و دیگر نیروهای خلقی به توسعه کمی و بالا بردن کیفی تولید ملی پرداختند، بیسوادی را به گمگ خلق و جوانان آن برانداختند، فرهنگ مترقی و مسکن مناسب را به خلق ارائه کردند، حقوق و آزادی های ملی و مکرانیک را حراست و حق تساوی زنان و مردان را برقرار نمودند. در این زمینه ها مسلمانان مبارز با آنها بی به معاشیات پرداخته اند و با آنها به "بحث" و "گفتگو" نشسته اند، که از این بحث هدفی جز بدست آوردن فرصت برای سرکوب انقلاب، ندارند. آنها - راستگرایان، و مداخله گران گذشته - به هیچ راه حل بی بینی تن نخواهند داد، آنها نصیحت پذیر نیستند، زیرا منافع طبقاتی آنها مورد هجوم خلق قرار گرفته است.

در سیاست خارجی انقلابات پیروزمند، جای خود را در جبهه جهانی ضد امپریالیستی یافتند. آنها در کنار کشورهای سوسیالیستی، در جوار جنبش های آزاد بیخس ضد امپریالیستی و جنبش کارگری مترقی کشورهای سرمایه داری قرار گرفته اند. آنها به عنوان کشورهای مستقل در چنین جبهه ای قرار دارند، اتهام "وابستگی" و یا "تایل" این کشورها به "شرق توهین به خلق هائی است، که با خلق های میهن ما در نبرد ضد امپریالیستی اشتراک منافع طبیعی دارند، که متحدین طبیعی انقلاب ما هستند.

این توهین و اتهام را فقط می توان از همان موضع خود بزرگ بینی و خود محور بینی - ای به این متحدان وارد کرد، که آقای حجتی کرمانی در ابتدای سخنش عنوان می کند و آن را "کفران نعمت" می داند.

بگذار با چنین لحن و برخوردی بحث بین مسلمانان مبارز و توده های باقی بماند، تا جبهه متحد خلق سازمان یابد. این است تنها راه "نگهداری از این هدیه گرانبها"، که "انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان" است.

آیا این "انشاء نویسی" نیست؟

متحد عربی، عراق و دیگر کشورهای نفت خیز زیر سلطه امپریالیسم انجام شود، تا آنها آماده باشند تا با ایران و لیبی، و الجزایر یک "بانک عدم تعهد" پایه گذاری کنند و بدینوسیله "ارز ۰۰۰ کشورهای صادر کننده نفت" در این بانک جمع و نگهداری شود. "از این پس این انباشت ارز" هم بعد سیاسی داشته باشد و هم بعد اقتصادی، "آنطور که در روزنامه اطلاعات می خوانیم؟ بدیهی است، که تا وقتی این کشورها استقلال واقعی خود را به چنگ نیارند، تا وقتی که یک انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی در این کشورها وقوع نیافته است و نفوذ امپریالیسم آمریکا را به اضافه عاملین آن بر نیانداخته است، امکان این که حاکمان دست نشانده این کشورها بخواهند و یا حتی بتوانند "ارز ذخیره" و دلارهای خود را از بانکهای آمریکا خارج سازند، اگر صفر نباشد، چیزی نزدیک به آن است. لذا "بعد سیاسی" تشکیل "بانک عدم تعهد"، آنطور که در ادامه مطلب روزنامه ادعا شده است، این نیست، که یک چنین اقدامی "میل به استقلال را در این کشورها بیشتر نشان" می دهد! و یا "همچنین یک نوع موضعگیری مبارزه با قدرت های بزرگ در آن نهفته است"، بلکه شرط چنین "موضعگیری مبارزه"، آنهاست با امپریالیسم (و نه با قدرت های بزرگ!؟) که ذخیره ارزش را با بلعیده است. بپاخاستن خلق و طرد ایادی امپریالیسم و به پیروزی رساندن یک انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است که نتیجه آن تامین استقلال واقعی این کشورها خواهد بود! به قول معروف سوزن را باید از سوراخ آن نخ کرد!

با توجه به نکات ذکر شده، اکنون این سوال بقیه در صفحه ۱۱

امپریالیست ها به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا خلق های کشورهای تحت ستم را چند بار می دوشند.

مثلا نفت کشورهای نفت خیز را چپاول می کند و در ضمن آنها را مجبور می سازد بپول نفت را در بانکهای آمریکا "ذخیره" کنند. هم اکنون میلیارد ها دلار ثروت خلقهای عربستان سعودی، کویت، امارات متحد عربی، در بانکهای آمریکائی خوابیده. این میلیارد ها ارز، نه فقط وسیله سیطره مالی امپریالیسم آمریکا بر این کشورها و این خلقها است، بلکه اهرم فشار بسیار کارائی برای روزه مبادا در دست امپریالیست ها است، که اگر این خلقها، همانند مردم میهن ما، حلقه بندگی فهدها و شرکا را پاره کردند، اهرم فشار مالی "ضبط کردن سپرده" هلی موجود در بانکهای امپریالیستی گلوی آنها را به فشار و آنها را خفه سازد و یا به تسلیم وا دارد.

هنوز میهن انقلابی ما نتوانسته است، با وجود آزادی جاسوسان آمریکا، و پرداخت بیست و چند میلیون دلاری غرامت محصل جاسوسخانه به امپریالیسم آمریکا، سپرده های ضبط شده خود را از چنگ آمریکا آزاد سازد. با چنین تحلیلی باید پیشنهاد مطرح شده توسط ایران در هفتمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد را مبنی بر تشکیل یک "بانک عدم تعهد" به طور کلی مثبت ارزیابی کرد و امیدوار بود که روزی "این پیشنهاد سازنده و انقلابی جاس بیفتد". (اطلاعات ۲۲ اسفند)

اکنون این سوال مطرح است، که شرایط علمی تحقق این پیشنهاد، که "مدت مدیسی طول خواهد کشید تا ۰۰۰ جاس بیفتد" (هما - نجا) چیست؟ عبارت دیگر چه تغییراتی باید در عربستان سعودی، کویت، امارات



دخالت آمریکا

روزنامه آمریکایی "نیویورک تایمز" جزئیات جدیدی از مداخله مستقیم آمریکا در عملیات خرابکارانه باند های ضد انقلابی نیکاراگوئه و تاجرانها به خاک این کشور را فاش ساخت. این روزنامه از قول یک مقام هند و آرسی که مستقیماً در برنامه ریزی عملیات سری آمریکا شرکت داشته و ارتباطات نزدیکی با نظامیان هند و روس و دیپلماتهای آمریکادار گفته است که آمریکا بطور مداوم اطلاعات امنیتی در باره نقل و انتقالات نیروهای ارتش نیکاراگوئه را در اختیار باند های ضد انقلابی میگذارد. کارشناسان جاسوسی آمریکا مستقیماً در مرز بین هند و روس و نیکاراگوئه عمل میکنند و اطلاعات جمع آوری شده را گزارش میدهند. طبق گفته این مقام تمام این باند ها از طرف آمریکا تعلیم دیده و اکثر سلاحها آنها نیز از آمریکا تأمین شده است. بنا به نوشته روزنامه "نیویورک تایمز" ارتش هند و روس نقشی برای ترتیب پل هوایی و رساندن " دولت موقت " به نیکاراگوئه در دست دارد. این روزنامه تأکید کرد

است که خطر تبدیل شدن این درگیرها به جنگ میان دو همسایه افزایش یافته است. هفته نامه نیویورک نیز در شماره اخیر خود فاش ساخته است که سازمان " سیا " تا کنون ۳۰ میلیون دلار برای انجام این عملیات خرابکارانه توسط باند های ضد انقلابی خرج کرده است.

قطع روابط فرهنگی

جمهوری خلق چین تمام موافقتنامه های مبادلات فرهنگی و ورزشی خود را با آمریکا قطع کرد. دولت جمهوری خلق چین در هفته گذشته اعلام کرد که نکات هنوز انجام نشده قرار داد فرهنگی میان دو کشور، که برای سالهای ۸۲ و ۸۳ منعقد گشته بودند دیگر انجام نخواهند گرفت. در اعلامیه دولتی که بدین مناسبت صادر شده است، آمده که این گام، عکس العملی در برابر مداخلات مداوم آمریکا در امور داخلی جمهوری خلق چین و خدشه دار ساختن اصل احترام متقابل از طرف آمریکا است. اعطای اصطلاح " اجازة اقامت به علل سیاسی " به یکی از ورزشکاران چینی از طرف آمریکا یکی از نمونه های آنست. در این اعلامیه آمده است که حادثه پیرامون ماندن این ورزشکار در آمریکا از مدتها پیش از طرف سروسها جاسوسی آمریکا تدارک دیده شده بود.

يك ابتكار انقلابي

یورش راست گرایان به حزب توده ایران و دستگیری رفیق نورالدین کیانوری و گروهی دیگر از رهبران حزب، موج وسیعی از اعتراض و همبستگی همه هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما را برانگیخته است. " راه توده " روزانه دهها نامه (همبستگی) به همراه شعر و نقاشی دریافت می کند که همگی سرشار از روح همبستگی مبارزه جویانه با سرداران و مدافعین واقعی خلق که اکنون در بندند و حزب توده های آنهاست. در این رابطه وظایف " راه توده " که با کمکهای مادی و معنوی رفقا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور منتشر می شود، توسعه یافته و سنگین تر می شود و نیاز آن به دریای فت کک های مادی و معنوی افزایش می یابد. بدین منظور رفقای هوادار حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شهر آخن - آلمان فدرال (شهری کوه رفیق کیانوری در آن به تحصیل اشتغال داشته است) یک ابتکار انقلابی پیشنهاد کرده اند.

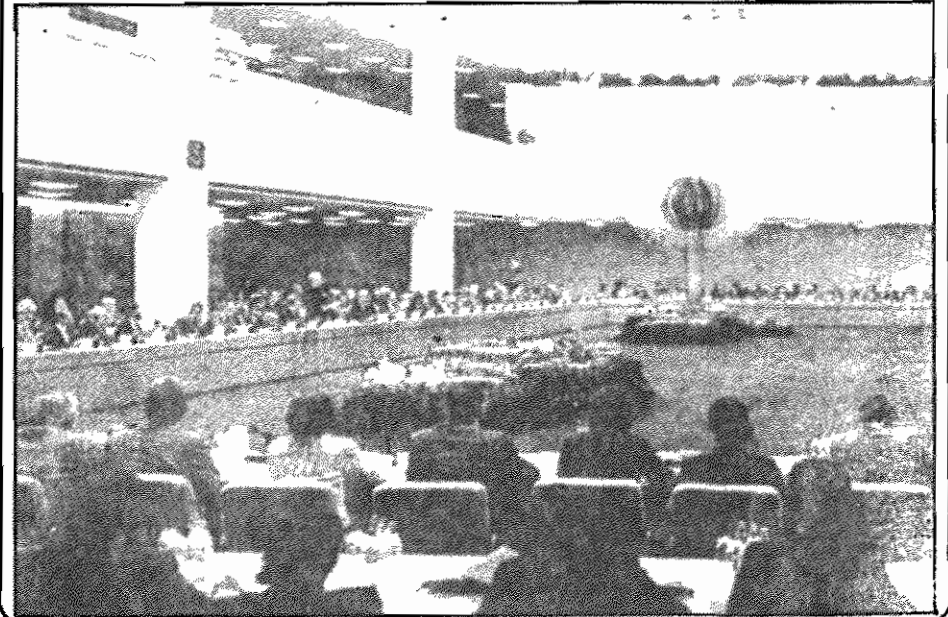
طبق این پیشنهاد یک " مسابقه انقلابی " بین سازمانها، رفقا و هواداران حزب و سازمان آغاز می شود. بدین ترتیب که هر یک از هزینه چاپ یک شماره از " راه توده " را از طریق جمع آوری کمک های مالی و ابتکارات گوناگون متقبل می شوند و آن شماره از " راه توده " به نام واحد های کمک کننده منتشر خواهد شد. بکوشیم تا با شرکت هر چه وسیعتر خود در این مسابقه انقلابی، به انتشار هر چه گسترده تر " راه توده " یاری رسانیم! آمادگی خود را هر چه زودتر به ما اعلام نمائید!

رفقای پیشنهاد کننده از شهر آخن - آلمان هزینه چاپ شماره ۳۶ " راه توده " را تأمین کرده اند.

کنفرانس علمی بین المللی کارل مارکس و زبان ما

نیست و کارگری، احزاب دیموکراتیک انقلابی و سوسیال دیموکرات و همچنین از جنبشهای آزاد بیخش شرکت دارند. از طرف حزب توده ایران رفیق علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در کار این کنفرانس شرکت دارد. این کنفرانس پیشنهاد طول خواهد کشید. در شماره آینده " راه توده " گزارشی از کار این کنفرانس به بین المللی را به اطلاع خوانندگان خود خواهیم رساند.

کنفرانس علمی بین المللی کارل مارکس، در ماه مبارزه در راه صلح و پیروزی اجتهاد - می " که به مناسبت صدمین سالگرد مرگ و صدور منشور و پنجمین سالگرد تولد کارل مارکس، بنا شده است. سوسیالیسم علمی، از طرف حزب سوسیالیست متحد آلمان ترتیب داده شده است. در برلین، پایتخت جمهوری دیموکراتیک آلمان با نطق افتتاحیه، آریش هوبنر دبیر کل محترم مرکزی این حزب گشایش یافت. در این کنفرانس، که پلی از رویدادهای سده بین المللی در سال جاری به شمار میسرود، سخنران و نمایندگان بیش از ۱۵۰ حزب عضو



RAHE TUDEH

No. 37

Friday, 15 Apr. 83

Address: Winfried Schwarz Markgrafenstr. 13 6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
1	Italy 600	L.
France 3	Fr.	U.S.A. 40
Austria 8	Sch.	Sweden 3
		Skr.

